

GRK

مجله الکترونیکی

# سفر نویسان

Travel Guide Magazine

شماره ۱  
پهن ماه ۱۳۹۹



## کانادا از نگاه مارکوی ایران

ادریسی مازندرانی:

نمایشگاه گردشگری،  
حامی استارت‌آپ‌های

موزه ای به نام پاریس      برزیل میزبان دختر پاریسی

GRK

مجله الکترونیکی

# سفر نویسان

Travel Guide Magazine

شماره ۱  
پهن ماه ۱۳۹۹



بازیگری یعنی سفری ادیسه وار به اعماق وجود آدمی!

## گفت و گو با صالح میرزا آقایی

## اصفهان پایتخت قهوه ایران

کردهای سرزمین مادری  
معدن نمک زنجان

خطوط و نگارش ایران باستان  
داستان راه آهن ایران

# آموزش رفتارشناسی DISC

به صورت کاربردی

آنلاین و حضوری



حمید ندیمی

hamidnadimiinsta 

مشاور و مدرس مهارت های توسعه فردی



محمد اسماعیل ارجمند

official.me.arjmand 

مشاور و مدرس مهارت های ارتباطات فردی  
مدیرمسئول مجله سفرنویسان

جهت ثبت نام در این دوره، کلمه DISC را به واتساپ ۹۱۲۸۳۳۶۹۷ ارسال نمایید.

# شرکت حمل و نقل بین المللی گیتی رسان کالا

با ما راه رسیدن به موفقیت در کسب و کارتان را تجربه نمایید

شرکت خدمات بار هوایی گیتی رسان کالا با بیش از ۱۵ سال سابقه ی مستمر در زمینه ی حمل و نقل هوایی در اقصی نقاط جهان، با تمرکز در حوزه حمل هوایی و گسترش نمایندگی های خود در کشورهای چین، امارات و اروپا و همچنین با داشتن بزرگترین و حرفه ای ترین تیم ترخیص کالا و فضای اختصاصی در حوزه ۲ فرودگاه امام خمینی (ره)، قادر است علاوه بر حمل کالای شما بصورت اکسپرس و کارگو، با توجه به تجربه خود، خدمات ترخیص کالا را نیز در کوتاهترین زمان انجام دهد.

## برخی از خدمات شرکت گیتی رسان کالا شامل:



انجام سرویس های حمل  
مستقیم اکسپرس و  
کارگو



ترخیص حرفه ای انواع  
کالا (سرویس ترخیص  
بار اکسپرس به صورت  
مستقیم)



بسته بندی حرفه ای و  
تخصصی حمل هوایی  
انواع کالا



حمل داخلی کالا در  
ایران و سایر کشورها



پست سریع هوایی کالا  
(واردات و صادرات) به  
تمامی نقاط دنیا

حضور و مجازی

# نمایشگاه بین المللی گردشگر و صنایع دستی

## International Tourism and Handicrafts Exhibition

Tehran International Permanent Fairground

محل دائمی نمایشگاه های بین المللی تهران

23-26 February 2021

Tehran . Iran

۵ الی ۸ اسفند ماه ۱۳۹۹

ایران - تهران



Tourism & Rural  
Development

گردشگر و  
توعمروستایه



۰۲۱ ۲۷۷ ۱۳۰ ۲۳  
۰۲۱ ۲۷۷ ۱۱۳ ۴۴  
www.ihcx.ir  
ثبت نام آنلاین از طریق سایت

ثبت نام همزمان نمایشگاه حضوری و مجازی امکان پذیر است

# باشگاه سفر نویسان

مجله اینترنتی سفر نویسان با ایجاد باشگاه مشتریان با هدف برگزاری رویدادها، تورهای آموزشی و تفریحی و حمایت اعضا در شبکه اجتماعی اینستاگرام از علاقه مندان دعوت به ثبت نام در این باشگاه می نماید.

هزینه عضویت سالانه در باشگاه سفر نویسان ۱ میلیون تومان

- تخفیف ۱۵٪ در تورهای آموزشی و تفریحی
- تخفیف ۲۰ درصدی در رویدادهای آموزشی
- حضور در نشست های خصوصی با حضور اساتید و هنرمندان
- اولویت در حمایت و معرفی در شبکه اینستاگرام مجله
- تخفیف ۱۰ درصدی برای تبلیغات در مجله اینستاگرام مجله



جهت ثبت نام به سایت سفر نویسان،  
قسمت باشگاه سفر نویسان مراجعه  
فرمایید.

safarnevisan.ir

صاحب امتیاز، مدیرمسئول و سردبیر:

آقای محمد اسماعیل ارجمند

هیئت تحریریه این شماره:

خانم ها: ریحانه آهنکار، بهاره شیرانی، نرگس صفری،

سحر مویدزاده، شراره موحدی

آقایان: همایون ارجمند، بنیامین رضایی، سهند

سعیدی، کامران کشیری

روابط عمومی:

آقای همایون ارجمند

ویراستار:

خانم شراره موحدی

صفحه آرایی:

خانم نازنین آقاسی بیک

راهای ارتباطی:

اینستاگرام: safarnevian

واتس اپ: ۰۹۱۲۸۳۳۶۶۹۷

سایت: www.safarnevian.ir

با تشکر از حامیان معنوی این شماره :

آقای صالح میرزا آقایی، بازیگر سینما و تلویزیون

آقای قربانعلی ذرقانی، پیشکسوت و صاحب امتیاز و

مدیر مسئول مجله صنعت حمل و نقل

آقای محمود مختاریان، پیشکسوت و مدرس روزنامه

نگاری

آقای همایون ذرقانی، صاحب امتیاز و مدیر مسئول و

سردبیر مجله سفر

آقای ادريس مازندرانی، دبیر ستاد برگزاری نمایشگاه

های بین المللی گردشگری و صنایع دستی

آقای علیرضا ارحام صدر، برگزار کننده نمایشگاه بین

المللی قهوه اصفهان

آقای مصطفی ارجمند، مدیر عامل شرکت توسعه

تدبیر تیوان

آقای محمد محسنیان، مدیر عامل شرکت ریلرو

آقای سعید مجردی، مدیر عامل شرکت گردشگری

کادوس

آقای عرفان فکری، تولیدر و مدرس طبیعتگردی

آقای بنیامین رضایی، تولیدر و مدرس جهانگردی

آقای عماد تفضلیان، تولیدر و مدرس طبیعتگردی

آقای کامیار بادپا، تولیدر و پژوهشگر

آقای کامران کشیری، مدرس طبیعتگردی و پژوهشگر



## ماهنامه اینترنتی سفرنویسان

### فهرست

#### سخن نخست

سرمقاله..... ۸

#### گزارش ها

مقدمه ای بر خطوط و نگارش در ایران باستان..... ۹

معدن تاریخی نمک و مردان نمکی زنجان..... ۱۳

#### مصاحبه ها

دبیر ستاد برگزاری نمایشگاه بین المللی گردشگری و صنایع دستی..... ۱۷

مدیر عامل نمایشگاه بین المللی اصفهان..... ۲۱

مسئول برگزاری نمایشگاه بین المللی اصفهان..... ۲۵

صالح میرزا آقایی..... ۲۷

#### جهانگردی

کانادا؛ جهان از نگاه بنیامین مارکور..... ۳۳

موزه ای به نام پاریس؛ عروس شهرهای جهان..... ۳۵

برزیل، میزبان دختر پارسی..... ۴۱

#### ایرانگردی

داستان راه آهن..... ۴۳

گذری بر کردهای سرزمین مادری..... ۴۹

#### تولیدرها

معرفی تولیدرها..... ۵۳

### سرمقاله

محمد اسماعیل ارجمند

مدیر مسئول و سردبیر



از دیرباز، سفر، راهی برای کشف، کسب و یافتن آگاهی و دانش بود. با آن که بسیار طاقت فرسا و پر مخاطره بود، مردان بزرگ، باور داشتند، آنچه با گذشتن از شهرها و اقلیمها بدست می آورند را، در هیچ کتابی، نمی توان یافت. پس، سختی به جان می خریدند و پا در جاده می گذاشتند. از گذشتگان، سفرنامههایی مکتوب، برجای مانده که جز ارزش ادبی شان، از منظر جامعه شناسی و فرهنگ شناسی نیز، مرجع بسیاری از پژوهشها بوده و هستند.

بسیار سفر باید، تا پخته شود خامی / صوفی نشود صافی، تا درنکشد جامی

امروزه سفر کردن یا به تعبیری، گردشگری، همراه با لذتی بیشتر است. چراکه راههای سفر، ایمن تر و وسایل نقلیه به مراتب پر سرعت تر و با کیفیت تر شده اند. تکنولوژی، باعث تسریع روند سفر شده و شبکه های مجازی و دنیای ارتباطات این بستر را فراهم کرده اند، آنچه در لحظه، مشاهده می کنیم، با دیگران در سراسر دنیا به اشتراک بگذاریم.

پیشرفت علم و تکنولوژی، در قرن جدید، باعث تغییر رفتار مشتریان صنایع مختلف، در دنیا شده است. این تغییر رفتار، موجی از خدمات نوین و محصولات جدید را، برای تامین نیازهای مشتریان، ایجاد کرده و صنعت گردشگری یکی از مهمترین بخش های بازار است که با این موج، تغییرهای بسیاری را در خود ایجاد کرده است.

مخاطبان این صنعت، به خصوص علاقه مندان به سفر و تولیدرها که اکثر زمان خود را، صرف ماجراجویی و کشف دنیای پیرامون خود می کنند، دائما در حال استفاده از ابزارهایی هستند که تکنولوژی روز، در اختیارشان قرار می دهد. این مهم، باعث شده تا مخاطبان صنعت گردشگری، نیازهای متفاوتی نسبت به گذشته احساس کنند. به همین دلیل، مجله اینترنتی سفرنویسان، با هدف بررسی چالش های اهالی سفر و انعکاس بازار سفر در کنار ارائه سفرنامه های جذاب ایرانیان، در سراسر دنیا، فعالیت خود را آغاز کرده و با شیوه ای کارآمد، برای توزیع مجله به صورت رایگان در اینترنت، فایل PDF مجله از طریق شبکه های اجتماعی، وب سایت و اپلیکیشن ها در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد. این شیوه ی توزیع که همچنین می تواند مهمترین مزیت مجله نیز باشد. در شرایطی است که مجلات چاپی به دلیل محدودیت کاغذ و ... امکان توزیع گسترده را، نخواهند داشت.

همچنین به علت عدم نیاز به حمل و تخصیص فضا، برای آرشیو و نگهداری برخلاف نسخه های چاپی مجلات، علاقه مندان به سفر در هر جای دنیا به راحتی در پلتفرم های خود می توانند، مجله سفرنویسان را مطالعه و آرشیو بندی نمایند.

مخاطبان ماهنامه سفرنویسان، به صورت کلی شامل همه علاقه مندان به سفر و صنعت گردشگری هستند. این مجله برای عامه مخاطبان منتشر می شود. اما در آینده ای نزدیک، با توجه به رسالت اصلی مجله در خصوص «بررسی چالش های صنعت گردشگری»، محتوای تولیدی در روند تهیه و انتشار، بصورت تخصصی تر پیش خواهد رفت. چرا که هدف غایی این مجموعه ایجاد بستری است، برای به اشتراک گذاری تجربیات، دانش و آگاهی مدیران صنعت گردشگری، اساتید و کارشناسان خبره این صنعت در کنار تولیدرها و سفرگردهای حرفه ای به عنوان مخاطبان خاص. همان گونه که انسان در سفر می آموزد و به نقل از سعدی «بسیار سفر باید، تا پخته شود خامی» مجله اینترنتی سفرنویسان تریبونی علمی و فرهنگی برای کارشناسان، بزرگان و پیشکسوتان در صنعت گردشگری خواهد بود.

این نشریه به صورت مستقل، فعالیت خود را آغاز کرده و به دنبال پی گیری چالش ها و بررسی آنها توسط کارشناسان مربوطه، به صورت برگزاری میزگردها و مصاحبه های تاثیرگذار است. از رسالت های دیگر مجله، حمایت اهالی سفر، در مجله و شبکه های اجتماعی است، پس از گذشت حدود یک سال فعالیت در شبکه اینستاگرام، توانسته ایم این حمایت را ثابت کنیم. از این رو برگزاری گفت و گوهای زنده، با فعالان عرصه گردشگری در این شبکه اجتماعی، خارج از فضای مکتوب مجله نیز یکی از فعالیت های مهم مجموعه است. همچنین از دیگر اهداف مجله، اختصاص قسمتی از آن، تحت عنوان «معرفی اهالی سفر»، برای ارتباط بین مدیران عرصه گردشگری با اهالی حرفه ای سفر، به خصوص تولیدرها، در سراسر ایران است که گامی نوین و روبه جلو، خواهد بود.

در پایان از همه دوستانی که در این مسیر، ما را حمایت می کنند و به تولید محتوای تاثیرگذار و البته توزیع گسترده مجله در اینترنت کمک می کنند، صمیمانه متشکرم و از پروردگار منان برای همه اهالی سفر، آرزوی روزگاری سرشار از عشق و لذت طلب می کنم.

# مقدمه ای بر خطوط و نگارش در ایران باستان



کامران کشیری  
گزارش تخصصی

پیدایش خط، نقطه عطفی در تاریخ بشر بود. مسیر زندگی انسان، پس از رواج تدریجی خط و نوشتار به حدی تغییر کرد که پژوهشگران (با اندکی تسامح) دوره حیات نوع بشر را به دو بخش اصلی پیش از تاریخ و دوره تاریخی تقسیم می‌کنند.<sup>۱</sup> نخستین پیش نمونه‌های نگارش در بین‌النهرین باستان پدید آمده و ظاهراً تلاش‌هایی برای ثبت معامله‌ها و داد و ستدهای تجاری بوده‌اند. در این پیش نمونه‌ها با نشانه‌هایی تصویری رو به رو هستیم که به احتمال بسیار، نماینده کالاهای مورد بحث بوده‌اند. این نوع ثبت نشانه‌ها، منجر به ایجاد نخستین شکل نگارش گردید که در آن عمدتاً هر نشانه تصویری، از آن چیزی بود که نگارنده می‌خواست درباره آن مطلبی یا نکته‌ای را برساند. مثلاً تصویر خوشه گندم یا سر گاو برای غلات و چهارپایان. به این نوع نشانه‌ها که در آن تصویری از یک مقوله

بشر، همیشه به دنبال منتقل کردن مفاهیم ذهنی و باورهای خود به دیگر هم‌نوعانش بوده است. نمونه‌های فراوان نقاشی‌های بشر پیش از تاریخ در غارهای سراسر دنیا، گذشته از ارزش هنری و کاربردی، تلاشی برای برقرار کردن ارتباط و حتی رساندن پیام به آیندگان نیز بوده است.

برای مشخص کردن خود آن شی، به کار می‌رود نشانه‌های تصویری یا «پیکتوگرام» می‌گویند. اما طبیعی است که با تحول و تکامل تدریجی نگارش، خطوط صرفاً تصویری، نمی‌توانستند کارایی مناسبی داشته باشند. زیرا بیان کردن مفاهیمی انتزاعی همچون شادی، ویرانی، تفکر و غیره به روش گفته شده، ممکن نبود. در مرحله بعدی تحول خطوط، نگارندگان با ابداع نشانه‌هایی خاص برای «مفاهیم» این مشکل را برطرف کردند. به این نوع نشانه‌ها «ایدئوگرام» یا اندیشه نگار می‌گویند. با گذشت زمان، خطوط، پیچیده تر شدند و نشانه‌های گوناگون دیگری (همچون سیلابوگرام، هتروگرام و لوگوگرام و غیره) بسته به نوع فرهنگ و تمدن پدیدآورنده خطوط، برای زبان مورد استفاده، کاربرد یافتند. برخلاف تصور عموم، خطوط

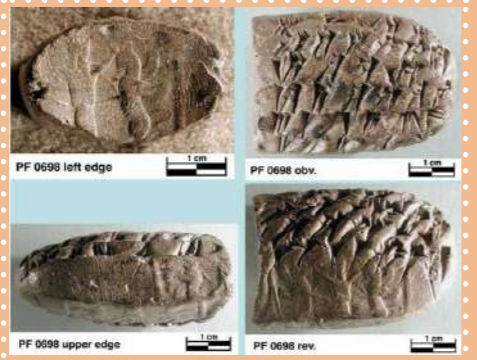
۱- البته باید توجه داشت که این تقسیم بندی حالتی عمومی و کلی دارد و برای هر دوره و جامعه متفاوت است. برای مثال، بین‌النهرین باستان با تمدن سومر از هزاره چهارم پیش از میلاد، با ظاهر شدن اسناد مکتوب به خط میخی وارد «تاریخ» می‌شود. اما در داخل فلات ایران - به استثنای عیلام - تا هزاره یکم پیش از میلاد، با نوشتار رو به رو نیستیم.

الفبایی که آسانتر از سایر خطوط به نظر می‌رسند بسیار دیرتر، ایجاد شدند و کهن ترین نمونه‌های خطوط، در جهان، همچون خط میخی و خط هیروگلیف مصری، الفبایی نیستند. همانطور که گفته شد، نخستین نمونه های نگارش در جهان در بین‌النهرین باستان پدیدار شدند. مردم این سرزمین برای نگارش از لوحه های گلی استفاده می‌کردند و نوک قلم را روی این لوح می‌فشرده. بر اثر فشار وارد شده و کشیدن قلم برای ایجاد نشانه، طرح کلی علائم، شبیه میخ می‌شد و به همین دلیل پژوهشگران خطوط بین‌النهرین باستان را «خطوط میخی» می‌نامند.<sup>۲</sup> نخستین قومی که نگارش (به مفهوم نوشتن جملات و انتقال پیام به صورت متون) را در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد، آغاز کردند، سومریان بودند. خط میخی سومری، به تدریج تحول یافت و الگویی برای خطوط میخی دیگر فرهنگها همچون عیلام، بابل، آشور و دیگران در هزاره‌های دوم و یکم پیش از میلاد شد.<sup>۳</sup>

|               | 3200 BCE | 3000 BCE | 2400 BCE | 1000 BCE |
|---------------|----------|----------|----------|----------|
| sag 'head'    |          |          |          |          |
| gin 'to walk' |          |          |          |          |
| su 'hand'     |          |          |          |          |
| še 'barley'   |          |          |          |          |
| ninda 'bread' |          |          |          |          |
| a 'water'     |          |          |          |          |
| ud 'day'      |          |          |          |          |
| mušen 'bird'  |          |          |          |          |

شکل ۱- تحول نشانه‌ها در خطوط میخی، از هزاره چهارم تا هزاره یکم پیش از میلاد

با مهاجرت آریایی‌ها به فلات ایران، این قوم، به تدریج با تمدن بین‌النهرین، تماس برقرار کرده و عناصر فرهنگی بسیاری را از آنها وام گرفتند. نمی‌دانیم، مادها، خطی خاص خود داشتند، یا نه. اما تا کنون در شواهد باستان‌شناسی و حفاریها، مدرکی در تایید این مطلب، به دست نیامده و به نظر می‌رسد که، آنها در صورت استفاده از نگارش، از خطوط میخی بین‌النهرینی، استفاده کرده باشند. مرحله مهم در تاریخ تحول خط در ایران، به روزگار هخامنشی باز می‌گردد. هخامنشیان با تصرف بابل و مصر قلمرو امپراتوری خود را گسترش فراوان دادند. اداره چنین امپراتوری عظیمی، نیازمند وجود یک سازمان مدیریتی و اداری منظم و کارآمد بود. اسناد متعدد به دست آمده از روزگار هخامنشیان، نشان می‌دهد که آنها برای انجام امور اداری و مدیریتی امپراتوری خود، از خطوط میخی عیلامی و میخی بابلی استفاده می‌کردند. استوانه مشهور کوروش بزرگ، به خط میخی اکدی، لوحه‌های نامدار بارو و خزانه تخت جمشید هم، به خط میخی عیلامی نگاشته شده‌اند.



شکل ۲- نمونه ای از الواح گلی تخت جمشید، به خط میخی عیلامی

از روزگار داریوش یکم هخامنشی، گذشته از خطوط میخی عیلامی و بابلی، با خط دیگری رو به رو می‌شویم که برای نوشتن زبان مادری هخامنشیان یعنی، «پارسی باستان» پدید آمد. «خط میخی پارسی باستان»، نخستین خطی است که برای نگارش یک زبان ایرانی به کار رفته است.<sup>۴</sup> تفاوت عمده‌ی خط میخی پارسی باستان با سایر خطوط میخی، نزدیک شدن این خط، به نگارش الفبایی است. با این تفاوت که در هر نشانه، گذشته از یک صامت، مصوتی هم وجود دارد. برای مثال برای نوشتن نام «کوروش» (به پارسی باستان kuruš) از چهار نشانه، به صورت ku-ru-u-ša استفاده می‌شد و روی هم، کلمه را، کوروش می‌خواندند. از دیگر تفاوت‌های عمده خط میخی پارسی باستان، با سایر خطوط میخی، وجود نشانه‌ای خاص، به عنوان، واژه جدا کن، است. به این معنی که هر کلمه، بین دو واژه جدا کن، قرار می‌گیرد.



شکل ۳- کتیبه ای با نام کوروش در دیواره کاخهای پاسارگاد. دو سطر اول متن کتیبه (از بالا) به خط و زبان پارسی باستان و دو سطر پایینی، همان متن به زبان و خطوط اکدی و عیلامی هستند. به «واژه جداکن ها» (که نشانه‌هایی مایل در ابتدا و انتهای هر واژه هستند) در متن پارسی باستان توجه کنید.

۲- خط میخی در طول تاریخ بین‌النهرین باستان برای زبانهای مختلفی به کار رفته است. بنابراین ما نه یک خط، بلکه چند نوع خط میخی داریم و از همه مهمتر این‌که، برخلاف اشتباه رایجی که در نوشته‌ها و برنامه‌ها در تلویزیون و شبکه‌های خبری و صفحات مجازی به دفعات، با آن رو به رو می‌شویم، چیزی به نام «زبان میخی» وجود ندارد. خطوط مختلف میخی در دوره های مختلف تاریخی، برای نگارش زبانهای مختلف به کار رفته‌اند.  
۳- شایان ذکر است که زبان این اقوام، با یکدیگر متفاوت بود. اکدی‌ها که پس از سومریان بر بین‌النهرین مسلط شدند، از «خط میخی سومری» برای زبان خود که متفاوت از زبان سومری بود، استفاده کردند و برای تطبیق دادن خط و زبان، در خط میخی تغییراتی دادند که منجر به ایجاد «خط میخی اکدی» شد. به تدریج دو فرهنگ «بابلی» و «آشوری» از فرهنگ اولیه اکدی، پدید آمدند که با سنت‌های نگارشی خاص خود، دو زیرمجموعه از خط میخی اکدی، یعنی «خط میخی بابلی» و «خط میخی آشوری» را، ایجاد کردند. عیلامیان نیز در آغاز داری خط تصویری خاص خود بودند، اما به مرور این خط را رها کرده و با الگوبرداری از خط میخی سومری، «خط میخی عیلامی» توسط آنها ایجاد شد.  
۴- منظور از «زبانهای ایرانی» گروه زبانهای متعلق به خانواده زبانهای «هند و ایرانی» هستند که زیرشاخه‌ای از زبانهای «هند و اروپایی» به شمار می‌روند. در این نوشتار اصطلاح «زبان ایرانی» صرفاً برای نشان دادن خویشاوندی این زبان، با دیگر زبانهای این گروه، (همچون کردی و بلوچی و پشتو و غیره) است و مفهوم ملیتی و نژادی ندارد.

خطوط میخی، (از هر نوع که باشند.) به دلیل نیاز به فشردن قلم بر روی یک سطح گلی یا حکاکی روی سنگ برای ایجاد یک نشانه، برای استفاده بر روی کاغذ و پوست، مناسب نیستند. به همین دلیل هخامنشیان، همزمان با استفاده از این خطوط، برای نگارش متون بر روی پوست و کاغذ، از خط دیگری استفاده می‌کردند که «خط آرامی» نام دارد. آرامی ها، اقوامی در شمال بین‌النهرین بودند که از خطی الفبایی، برای نگارش، استفاده می‌کردند. این خط، به دلیل استفاده از نشانه‌های ساده و الفبایی بودن، برای نگارش روی پوست و کاغذ، بسیار مناسب بود. خط آرامی، بر روی مهرهای روزگار هخامنشی و نیز اسناد و نامه‌های آن روزگار استفاده شده است. خط آرامی، نیای بسیاری از خطوط خاورمیانه، همچون خطوط پهلوی، عبری، عربی، سریانی و غیره است.



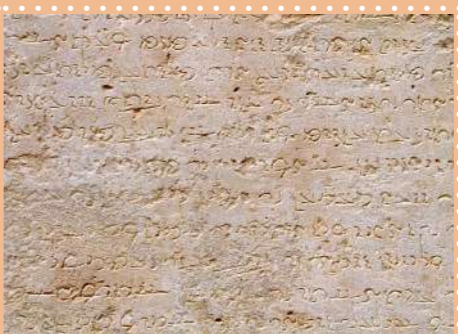
شکل ۴- نامه ای به خط و زبان آرامی، مربوط به سال ششم پادشاهی اردشیر یکم هخامنشی، به دست آمده از مصر

خطوط میخی پس از انقراض هخامنشیان به دست اسکندر، به تدریج از یاد رفتند. از این زمان به بعد، شاهد رواج یافتن خطوط الفبایی در ایران هستیم. سلسله اشکانی، در آغاز کار، از خط و زبان یونانی استفاده می‌کرد، اما از روزگار بلاش یکم به بعد اندک اندک خطی بومی که امروزه، «خط پهلوی اشکانی» یا «خط پارتی» نامیده می‌شود، جای خط یونانی را گرفت. خط پارتی تحول یافته از خط آرامی است و برای نگارش زبان دودمان اشکانی، یعنی زبان پارتی یا پهلوی

اشکانی، به کار می‌رفت. اشکانیان برای همه سطوح اعم از سنگ، سکه، پوست و کاغذ، از همین یک نوع خط ، یعنی خط پارتی، استفاده می‌کردند.

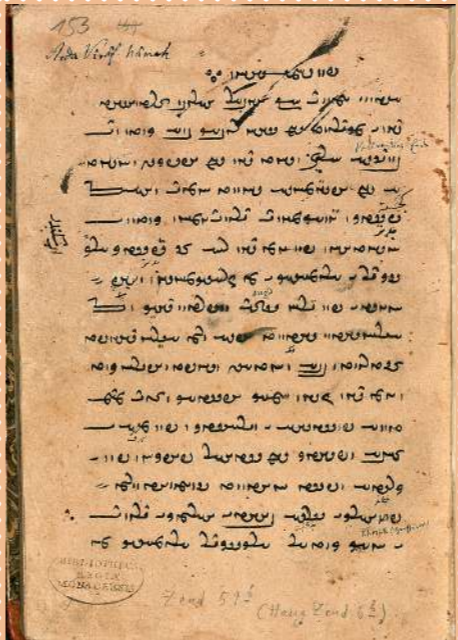


شکل ۵- نسخه پارتی (پهلوی اشکانی) کتیبه نرسه، شاه ساسانی، در برج پایکولی در کردستان عراق



شکل ۶- نسخه پارسی میانه (پهلوی ساسانی) کتیبه شاپور یکم، شاه ساسانی، در کعبه زرتشت به خط پهلوی کتیبه ای

با روی کار آمدن دودمان ساسانی، خط در ایران، تنوع بیشتری یافت. از روزگار ساسانی، چهار نوع خط، می‌شناسیم. که برای نگارش زبان دودمان ساسانی، یعنی، پارسی میانه یا پهلوی ساسانی و نیز زبان اوستایی (زبان کتاب مقدس اوستا) استفاده شده‌اند. در کتیبه ها، مهرها و سکه ها، نوعی خط به کار رفته که، به «خط پهلوی کتیبه‌ای» مشهور است و در آن حروف به هم متصل نمی‌شوند. بنابراین، در قرائت واژگان ابهام نسبتا کمی، وجود دارد.



شکل ۷- صفحه نخست از نسخه ای خطی از متن ارداویراف نامه به زبان پارسی میانه (پهلوی ساسانی) به خط پهلوی کتابی

نوع دیگر خط در این روزگار، «خط پهلوی کتابی» خوانده می‌شود که برای نگارش، روی پوست و کاغذ به کار می رفته است. تعداد نشانه‌ها در این خط، اندک (۱۴ عدد) هستند و حروف به هنگام نگارش یک واژه، به هم متصل می‌شوند. بنابراین، خواندن این خط نسبت به خط کتیبه ای، دشواری‌های بیشتری دارد و در موارد بسیاری، با ابهام همراه است.

اوستا، کتاب دینی زرتشتیان، در روزگار ساسانی جمع آوری، ویرایش و مکتوب شد. موبدان، همانند دیگر روحانیان، تاکید بر تلفظ دقیق و درست کتاب مقدس خود داشتند و خطوط موجود در روزگار ساسانی این نیاز را، برآورده نمی‌کردند.<sup>۵</sup> به همین دلیل، از روی خط پهلوی کتابی، خطی مستقل ساخته شد که کاملترین خطی است که تا کنون، برای یک زبان ایرانی پدید آمده است. ایرانیان این خط را «دین دبیره» می‌نامیدند، که به معنای خط دینی است. زیرا برای نگارش اوستا به کار می‌رفت. دین دبیره یا «خط اوستایی» دارای ۵۳ نشانه است که ۱۶ تای

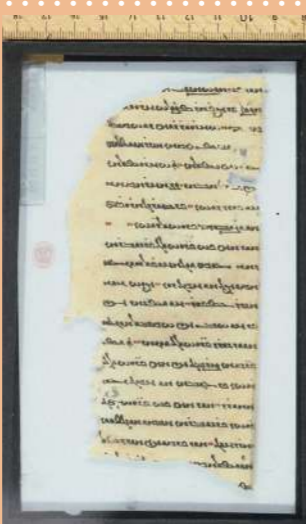
آن مصوت هستند و تلفظ هر واژه را با دقت و ذکر مصوت ها نمایان می‌کنند.<sup>۶</sup>



شکل ۸- دو صفحه نخست از فرگرد دوم وندیداد از نسخه ای خطی به زبان و خط اوستایی ( دین دبیره)

روزگارساسانی، دوره شکوفایی فرهنگ ها و خطوط، در فلات ایران و سرزمینهای مجاور آن است.<sup>۷</sup> در اوایل این دوران، مانی دینی جدید آورد و برای تبلیغ بهتر آن، خطی خاص اختراع کرد که به «خط مانوی» معروف است. این خط را می‌توان یکی از نخستین نمونه‌های خطوط بین المللی در نظر گرفت. زیرا دیگر خطوط آن روزگار، مخصوص یک جامعه یا زبان بودند، مثل خط پهلوی برای زبان پارسی میانه (پهلوی ساسانی)، خط پارتی برای زبان پارتی (پهلوی اشکانی)، خط عبری برای زبان عبری و به همین ترتیب. خط مانوی، خطی واضح و بی ابهام بود که مانویان با استفاده از آن به زبانهای مختلف

می نوشتند و به تبلیغ آیین خویش در میان اقوام مختلف می پرداختند.<sup>۸</sup>



شکل ۹- متنی به خط مانوی و به زبان پارتی (پهلوی اشکانی) در شرح مرگ مانی، به دست آمده از تورقان در غرب چین

با مروری بر مطالب فوق، متوجه می‌شویم که اندیشه ها و باورهای متفاوت و متعددی در ایران باستان، در جوار یکدیگر زندگی می‌کرده و بر همدیگر تاثیر می گذاشته‌اند. تنوع خطوط در این سرزمین، در دوره باستان، نشانه واضحی است از پویایی اندیشه و تفکر در این سرزمین در دوره باستانی تاریخ خود.

## « برای مطالعه بیشتر:

۱-تاریخ خط، آلبرتین گاور، ترجمه عباس مخبر، کوروش صفوی، نشر مرکز، چاپ دوم ۱۳۸۱
۲-تاریخچه مصور الفبا و خط، ژرژ ژان، ترجمه اکبر تبریزی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۸۶
۳-تاریخ خط میخی، کریستوفر واکر، ترجمه نادر میرسعیدی، انتشارات ققنوس، چاپ اول ۱۳۸۶
۴-تاریخ زبانهای ایرانی، حسن رضایی باغ بیدی، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم ۱۳۸۸

۵-تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، احمد تفضلی، انتشارات سخن، چاپ اول ۱۳۷۶
۶-راهنمای کتیبه های ایرانی میانه (پهلوی-پارتی)، سعید عربان، انتشارات علمی، چاپ اول ۱۳۹۲

۶- البته از آنجایی که از زمان تدوین شفاهی اوستا (اواخر هزاره دوم پیش از میلاد) تا مکتوب شدن آن (روزگار ساسانی و به احتمال در نیمه دوم پادشاهی این دودمان) زمان بسیاری فاصله افتاده بوده، بسیاری از ضابط‌های آوایی کلمات اوستایی دچار تحریف شده‌اند و نگارش کنونی واژه‌ها در متن اوستا، لزوما نشانه تلفظ آن واژه‌ها در روزگار کهن نیستند. درباره اینکه آیا متون اوستایی پیش از روزگار ساسانی هم مکتوب بوده‌اند یا خیر، تاکنون مدرک موثقی به دست نیامده است.

۷- از همین روزگار ترجمه‌ای از مزامیر داوود نیز، به دست آمده که به زبان پارسی میانه است و « زبور پهلوی» خوانده می‌شود. متن زبور پهلوی، آمیخته‌ای از دو خط پهلوی کتیبه‌ای و پهلوی کتابی است.

۸- گذشته از فلات ایران، در روزگار ساسانی تا اوایل دوره اسلامی، در آسیای میانه تا غرب چین نیز با خطوط مختلفی رو به رو می‌شویم که برای نگارش زبانهای ایرانی رایج در آسیای میانه، به کار رفته‌اند. این خطوط، برای زبانهای «سغدی»، «خوارزمی» و «بلخی» استفاده شده‌اند. در این میان خط بلخی، نمونه جالبی است. زیرا از خط یونانی گرفته شده و تنها نمونه شناخته شده‌ای است که در آن، یک زبان ایرانی، با خطی برگرفته از یونانی، نوشته شده است.

# معدن تاریخی نمک و مردان نمکی زنجان

سهند سعیدی  
گزارش تخصصی



« معدن نمک چهرآباد زنجان یا به قول افراد محلی؛ دوزلاخ، از معدود معادن تاریخی در کشور است. قدمت آن طبق آخرین پژوهش‌های باستان‌شناسی به هزاره اول قبل از میلاد، یعنی حدوداً سه هزار سال پیش، برمی‌گردد و در تمام دوره‌های تاریخی، حتی تا همین چند سال پیش از این معدن نمک استخراج می‌شده است.



تصویر شماره ۱: بافت طبیعی اطراف معدن نمک چهرآباد و بستر رودخانه فصلی

در مسیر ابتدا به سه راهی رضا آباد رسیدیم. دست چپ، حدوداً پنجاه متر بعد از پل رودخانه، یک خروجی خاکی وجود دارد که دیدن و پیدا کردنش معمولاً برای کسانی که اولین بار می‌خواهند به معدن بروند، سخت است. بعد از حدود یک کیلومتر راهپیمایی و رد شدن از راهی بین درختچه‌های گز، به روستای حمزه‌لو رسیدیم؛ روستای حاجی عزیزعلی، نگهبان معدن نمک. امکان ندارد بدون این‌که باخبر شود، مسافر و بازدید کننده‌ای به معدن برسد.

تقریباً به مقصد رسیدیم. جایی که می‌خواستیم ببینیم، معدن نمک، یک سایت تاریخی با حدوداً ۳۰۰۰ سال قدمت

که از سال ۱۳۷۲ مومیایی‌های مردان نمکی به مرور در اینجا کشف شدند. می‌توان گفت که مهمترین سایت تاریخی معدن کاوی در کشور، اینجا است. جزء سه معدن نمک شناخته شده‌ی تاریخی در جهان که در آنها بقایای معدن‌کاوی، زندگی و فعالیت‌های انسانی بدست آمده است.

خود معدن در نگاه اول، یک کوه معمولی به نظر می‌رسد، ولی اگر نزدیکتر برویم و با دقت به بافت موجود در آنجا نگاه کنیم، کاملاً می‌توانیم لایه‌های تاریخی و آثار تونل‌های قدیمی را مشاهده کنیم. البته باید ذکر کنم که این معدن جزء سایت‌های بسیار مهم تاریخی است و بدون وجود کارشناسان به همه جای آن نمی‌شود رفت، چراکه به خاطر فرسایش شدید خاک در این سایت، گشت و گذار در محل‌های ایمن نشده، خطرناک است. در مورد تاریخچه فعالیت‌های باستان‌شناسی در معدن نمک چهرآباد، می‌توان اشاره کرد به این‌که سال ۱۳۷۲ در میان فعالیت‌های معدن‌کاران، برای بدست آوردن نمک، اولین مرد نمکی کشف شد، درحال حاضر از آن در موزه ایران باستان تهران، در خیابان سی تیر نگهداری می‌شود.

به مرور، مرد نمکی‌های شماره دو و سه نیز، در سال بعد کشف شدند. پس از آن، سازمان میراث فرهنگی با هماهنگی سازمان صنایع معادن و کار، در محل کشف این مردان نمکی، شروع به کاوش باستان‌شناسی کرد. در نتیجه این کاوش‌ها که در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ انجام شد، مردان نمکی شماره چهار و پنج هم کشف شدند. این مومیایی‌ها<sup>۱</sup>، تا جایی که امکان داشت و بافت بدن آنها در طول

تاریخ باقی مانده بود، بصورت کامل از خاک خارج شدند، البته سالم‌ترین آنها مرد نمکی شماره چهار است که تقریباً، تمام اجزای بدنش به دلیل بودن در بستر خاک مطلوب، در طول تاریخ سالم مانده است. آخرین مرد نمکی یا مومیایی نمکی در سال ۱۳۸۹ از کاوش‌های باستان‌شناسی کشف شد. تمام مردان نمکی بجز شماره یک، در موزه باستان‌شناسی زنجان نگهداری می‌شوند و پژوهش‌ها روی آنها ادامه دارد.



تصویر شماره ۲: لحظه کاوش جمجمه مرد نمکی شماره ۶

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، قدیمی‌ترین آثاری که در معدن بدست آمده، به حدود ۳۰۰۰ سال قبل یعنی هزاره اول قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد و در طول تاریخ هم در دوره‌های مختلف از این معدن برداشت نمک صورت گرفته است که از دوره‌های بسیار باارز می‌توانم به دوره‌های هخامنشی، ساسانی و دوره سلجوقی اشاره کنم که از هر کدام از این دوره‌ها، آثار و بقایای زیادی از معدن‌کاران و فعالیت‌های آنها در معدن باقی مانده و همین‌طور مردان نمکی، متعلق به دو دوره تاریخی متفاوت هستند. به این‌صورت که شماره‌های ۱، ۲ و ۶ متعلق به دوره



تصویر شماره ۳: مرد نمکی شماره چهار در لباس هخامنشی

ساسانی و شماره‌های ۳، ۴ و ۵ مربوط به دوره هخامنشی هستند.

جالب است بدانید که تنها لباس واقعی به دست آمده از دوران هخامنشی را، می‌توانید بر تن مرد نمکی شماره چهار، ببینید.

درعین‌حال یکی از دوره‌های مهم استخراج معدن، به دوره معاصر و حدود صد سال گذشته برمی‌گردد که خوشبختانه، تاریخ شفاهی زیادی در بین مردمان محلی، باقی مانده و خیلی از آنها خاطرات زیادی از این معدن تعریف می‌کنند که از پدران خود شنیده و به یاد دارند.

معدن نمک چهرآباد زنجان، تنها معدن نمک در جهان است که در آن بقایای انسانی کشف شده است، یعنی در معادن دیگر هیچ آثاری از اجساد معدن‌کاران باستان به دست نیامده.

معدن نمک چهرآباد زنجان، تنها معدن نمک در جهان است که در آن بقایای انسانی کشف شده است، یعنی در معادن دیگر هیچ آثاری از اجساد معدن‌کاران باستان به دست نیامده.

خوشبختانه از سال ۱۳۸۷ با هماهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و وزارت صنعت و معدن و تجارت فعالیت‌های معدن‌کاری در معدن نمک چهرآباد، به پایان رسید و درحال حاضر معدن یک سایت تاریخی است و به زودی تبدیل به یک پایگاه ملی باستان‌شناسی می‌شود.

فعالیت‌های باستان‌شناسان در این معدن همانطور که اشاره شد، از سال ۱۳۸۴ شروع شد و تقریباً بطور مداوم، تا همین امروز ادامه دارد.

وقتی به این منطقه از استان زنجان سفر کنید، خواه و ناخواه از میان بافت منطقه معروف کوه‌های رنگی زنجان رد می‌شوید که معروف به کوه‌های رنگی ماهنشان زنجان هستند.



تصویر شماره ۴: بخشی از کوه‌های رنگی ماهنشان زنجان

این کوه‌های رنگی یکی از عجایب بسیار زیبای زمین‌شناسی‌اند که منطقه خیلی بزرگی را در استان، در بر گرفته‌اند و اطمینان دارم شما نیز چون من از گشت و گذار در این منطقه سیر نخواهید شد. خصوصاً اگر بعد از بارندگی یا در هوای ابری که رنگ کوه‌ها خیلی زیباتر دیده می‌شوند از منطقه دیدن کنید.

بعد از بازدید از این منطقه و قبل از برگشتن به محل اقامتتان می‌توانید از قلعه لک‌ها که یکی از دیدنی‌های بی نظیر منطقه است نیز، بازدید کنید که در کنار روستای شکورچی قرار گرفته.

این رویداد یک نمونه بسیار زیبا از زندگی مسالمت آمیز بین انسان و حیوانات وحشی است که توجه هر بیننده‌ای را به خود، جلب می‌کند. در کنار روستای شکورچی، لک‌ها که به خاطر وجود رودخانه‌ی قزل‌اوزن در آن منطقه زندگی می‌کنند به مدت ۸۰ سال است که لانه‌های خود را هر ساله بر روی هم درست کرده و جوجه‌هایشان را در این مکان امن بزرگ می‌کنند. مطمئناً از دیدن این مناظر لذت خواهید برد.



تصویر شماره ۵: لانه لک لکها بر روی تیغه سنگی

این گزارش کوتاه خلاصه‌ای از سفری یک روزه، به شهر زنجان، منطقه معدن نمک چهرآباد بود. امیدوارم توانسته باشم شما را ترغیب کنم تا بعد از رهایی از کرونا به این مکان دیدنی بروید و آنچه نتوانسته‌ام در قالب کلمات برایتان توصیف کنم را در این منطقه، به چشم ببینید. این نوشتار تنها بخشی کوچکی، از جاذبه‌های استان زنجان است.

۱. در جهان ما دو نوع مومیایی داریم، اولی که همه می‌شناسند مومیایهای مصنوعی هستند ولی نوع دیگر مومیایهای طبیعی هستند که به دلایل مختلف و در کشورهای مختلف دنیا توسط عوامل طبیعی مثل بودن در باتلاق و یا یخ و در مورد ایران بودن در بافت خاک نمکی مومیایی شدن، به این نوع دوم مومیایهای طبیعی می‌گویم.





majestic  
**IRAN**  
A Different Experience

# مصاحبه اختصاصی

## نمایشگاه بین المللی گردشگری و صنایع دستی

دبیر ستاد برگزاری نمایشگاه

### آقای ادريس مازندرانی



#### « نمایشگاه امسال با توجه به شرایط کنونی نسبت به نمایشگاه سال‌های گذشته چطور ارزیابی می‌شود؟ »

ساختار نمایشگاه تقریباً به کلی تغییر کرده. در سال‌های گذشته فعالان گردشگری در قالب غرفه‌های استانی حضور داشتند، اکنون در این نمایشگاه سالن‌های حضور هنرمندان صنایع دستی جدا از بخش گردشگری در نظر گرفته شده و در بخش گردشگری هتل‌ها و آژانس‌های برند که مسیر توسعه را طی کرده و نیاز به حمایت ندارند (ساختار تجاری کاملی دارند)، از مجموعه‌هایی که نیاز به حمایت دارند و در حال توسعه اند جدا شده‌اند. (شرکت‌های نوپا که از طریق اداره کل استانها حضور پیدا کرده و ظرفیت استانها را معرفی خواهند کرد).

#### « در رابطه با بخش مجازی نمایشگاه توضیحاتی بدهید که شیوه‌ی اجرا چگونه است و چه بخش‌هایی را پوشش می‌دهد؟ »

نمایشگاه بین‌المللی تهران از ابتدای سال یک پلتفرم نمایشگاه مجازی را توسط یکی شرکت‌های متخصص برنامه ریزی کرده که این پلتفرم قابلیت‌های ویژه ای دارد. دوزبانه است اما اگر به صورت آنلاین در نشست‌ها ۲B B شرکت‌ها مایل باشند به زبان دیگری مثل ترکی، روسی و سایر زبان‌ها آنلاین شوند، مترجم همزمان آنلاین شده و کار را انجام خواهد داد. با توجه به بنای اینترنتی کشور ما توانسته امکانات قابل قبولی را ارائه دهد. از بخش مجازی در نمایشگاه‌های پیشین استقبال خوبی شده ما نیز در نمایشگاه بین‌المللی گردشگری از همین پلتفرم استفاده خواهیم کرد. آدرس سایت مجزایی دارد که روی سایت‌ها لینک خواهد شد و بستر مناسبی است و امیدواریم از این پلتفرم به صورت مکمل در کنار نمایشگاه استفاده کرده و راندمان نمایشگاه را بالا ببریم.

#### « در رابطه با حمایت از کسب و کارهای کوچک‌تر فرمودید که نمایندگان شهرستانها از آنها حمایت

#### می‌کنند. در این خصوص برای استارت آپ‌های حوزه گردشگری که به سمت برنامه‌های آنلاین می‌روند، در نمایشگاه برنامه خاصی دارید؟

کلاس و کار نمایشگاه بین‌المللی تهران به گونه ای تعریف شده که بتوانیم استارت آپ‌ها و ایده‌های نو و خلاقانه را مورد حمایت قرار دهیم و در این بستر از حضور عزیزان بهرمنند خواهیم شد و حمایت‌هایی مانند اعمال تخفیف در فضای واگذار شده و همچنین آفرهای رایگانی را برای دیده شدن هرچه بیشتر این عزیزان آماده کرده ایم که در حین ثبت نام، این گزینه‌ها در اختیارشان قرار خواهد گرفت.

#### « نقش بخش خصوصی و دولتی در برگزاری این نمایشگاه و استقبالشان از نمایشگاه نسبت به سال‌های گذشته چگونه بوده است؟ »

در شرایط عادی همه برای توسعه بازار و برندینگ و ارتقا بخش بازرگانی و تجاری هر صنعتی اقدام می‌کنند. اما در شرایطی مثل کرونا و تحریم‌ها خوشبختانه توجه و حمایت بخش خصوصی بسیار خوب بوده است و در راستای مسئولیت‌های اجتماعی خود به خوبی ایفای نقش کرده و قطعاً این حمایت‌ها مورد نیاز است. به‌خصوص در این شرایط که شروعی دوباره برای فعالیت‌های صنعت گردشگری است. در حال حاضر که کرونا کم‌رنگ تر شده و خوشبختانه اوضاع تحت کنترل است، این توقع را داریم که این شروع دوباره توسط عزیزان فعال در حوزه صنعت گردشگری هر چه باشکوه‌تر مورد حمایت قرار گیرد.

#### « در مورد بخش خصوصی شهرستان‌ها چطور؟ با توجه به شرایط کرونا آیا استقبال خوبی شد؟ »

بله خوشبختانه استقبال خوبی را شاهد بودیم. این نمایشگاه با رعایت بسیار زیاد پروتکل‌های بهداشتی ابلاغی ستاد کرونا در نمایشگاه بین‌المللی تهران انجام می‌شود. شرکت کنندگانی که از مبدا شهرستان‌ها به تهران می‌آیند، با هماهنگی که صورت گرفته است سلامتی‌شان احراز شده و توسط اداره کل برای آنها برای مدت نمایشگاه برگه طرد صادر می‌شود. تا ما در تهران میزبان این عزیزان باشیم.

#### « آیا برای اعمال پروتکل‌ها ساز و کار مشخصی دارید؟ »

چهار پروتکل بهداشتی برای مقابله با شرایط ویژه کرونا در سطح نمایشگاه کشور داریم. یکی مربوط به بازدید کنندگان است. دومی مربوط به غرفه داران، سومی مربوط به خود سایت نمایشگاه بین‌المللی (در تمام نقاط کشور) و چهارمین پروتکل مربوط به خدمات غرفه سازی و گروه فنی مهندسی است. این چهار پروتکل با نظارت و کنترل معاونت اچ اس دی نمایشگاه بین‌المللی تهران در همه نمایشگاه‌ها، در همه عناوینی که در حال برگزاری است جاری است و سعی ما بر آن است که به دقت همه نکات رعایت شوند. برای نمایشگاه‌ها در ورودی همه سالنها تونل‌های ضد عفونی گذاشته شده. تیم بهیاری در تمام

ورودی سالن‌ها حضور دارند. که مسئول تب سنجی و کنترل ماسک و ضد عفونی هستند. حتی در ورودی نمایشگاه ضمن اینکه بازدید از نمایشگاه از طریق اپلیکیشن است که به سامانه چهل سی مستقیم ارتباط دارد. بطور خلاصه ما از تمامی امکانات برای اینکه بدانیم بازدید کنندگان و غرفه داران با کمترین خطر مواجه هستند، استفاده کرده‌ایم.

#### « با توجه به اینکه نمایشگاه در دو بخش برگزار می‌شود (صنایع دستی و گردشگری) هر کدام شامل چه بخش‌هایی می‌شوند؟ »

هر کدام فضای تفکیک شده و مجزا خواهند داشت. برای نمایشگاه صنایع دستی فضایی بالغ بر ده هزار متر سالن سرپوشیده و برای گردشگری فضایی سرپوشیده بالغ بر دوازده هزار متر در نظر گرفته شده که با توجه به استقبال علاقه مندان امکان توسعه دادن این فضا میسر خواهد بود.

#### « با توجه به شرایط کرونا حضور آژانس‌های بین المللی، شرکت‌های بین‌المللی و سفارتخانه‌ها امسال به چه صورت است؟ »

هماهنگی‌های صورت گرفته، بیشتر از طریق دفاتر نمایندگی شرکت‌ها در داخل کشور یا سفارت‌ها انجام خواهد شد. چون همانطور که در جریان هستید برای سفر به مقصد ایران از مبدا کشورهای دیگر فعلاً محدودیت‌هایی وجود دارد و ما تابع این شرایط هستیم. به نظر من در بخش مجازی ما این امکان را خواهیم داشت که بخش‌های خارج از کشور را پوشش دهیم و استفاده از بخش مجازی نمایشگاه به عزیزان در سایر نقاط دنیا اطلاع‌رسانی شده که پس از پایان نمایشگاه با ارزیابی و پایش خواهیم توانست میزان موفقیت این بخش را مورد سنجش قرار دهیم.

#### « تاثیر نمایشگاه بر رکود اقتصادی که در صنعت گردشگری به خاطر کرونا شاهد آن هستیم را تا چه حد ارزیابی می‌کنید؟ »

این رویداد و هر رویدادی که با هدف حمایت از مشاغل، اصناف و شرکت‌ها انجام می‌شود، این وظیفه را برای ما؛ در سمت مسئول ایجاد می‌کند تا با ایجاد زیر ساخت استاندارد، بستر اصلی (در اینجا برگزاری هر چه جامع‌تر و تخصصی‌تر نمایشگاه است) را آماده و فراهم کنیم. اما کسانی که گل موفقیت می‌زنند، فعالان هر صنف هستند. ما وظیفه داریم کنارشان حاضر بوده و از آنها کمال حمایت را داشته باشیم. پیش از این در صنایع‌های دیگر برگزاری نمایشگاه تاثیر بسزایی در رونق گرفتن دوباره آن صنف و صنعت داشته. با همان تجربیات در برگزاری دیگر عناوین نمایشگاهی ما این امید را داریم که برگزاری نمایشگاه گردشگری هم این رکود را برطرف کند و ضرر بالغ بر بیست هزار میلیارد که فعالان حوزه گردشگری در سال گذشته متحمل شدند را جبران کنیم.

بزرگترین گردهمایی برندهای برتر

# صنعت قهوه

در دومین نمایشگاه نوشیدنی

the Biggest Meeting of Top brands of Coffee Industry at the Second Beverage Exhibition

۱۵ تا ۱۸ بهمن ماه ۹۹

ساعات بازدید: ۱۰ تا ۱۸

03 - 06 February 2021

Opening Hours: 10AM-6PM

اصفهان، کمر بند دی شرق

نمایشگاه بین المللی اصفهان

tel: (+98)3132241747 (+98)3132235935

mob: (+98)9136572903 (+98)9131187014

www.Horecaexpo.ir



شرکت آبه روشن



## برپایی دومین نمایشگاه بین المللی نوشیدنی ها

۱۵ تا ۱۸ بهمن ماه ۹۹ در اصفهان

دومین نمایشگاه بین المللی نوشیدنی های سرد و گرم با محوریت قهوه، چای، دمنوش، آبمیوه و آب معدنی از ۱۵ تا ۱۸ بهمن ماه ۱۳۹۹ در محل دائمی برگزاری نمایشگاه های بین المللی استان اصفهان، برپا خواهد شد.

این نمایشگاه از جمله رویدادهای نمایشگاهی جامع و در حال توسعه ای به شمار می رود که بخش زیادی از بازدیدکنندگان این نمایشگاه ها را متخصصان و علاقمندان فعال، در این حوزه، تشکیل خواهند داد.

دومین نمایشگاه بین المللی نوشیدنی های سرد و گرم اصفهان توسط شرکت کارآفرینان آتیه روشن، مجری نمایشگاه ها و رویدادهای معتبر داخلی برگزار می شود و در این رویداد، شرایطی فراهم می شود تا شرکت های فعال در حوزه های مرتبط با عنوان نمایشگاه ها، در جمع بهترین شرکت ها و برندهای قهوه و نوشیدنی های سرد و گرم دیده شوند.

این نمایشگاه در دوره گذشته خود، با استقبال مطلوبی از سوی فعالان این بخش، روبرو شد و توانست با جلب اعتماد علاقمندان به این عرصه، اصفهان را، به مرکزی برای برگزاری رویدادهای مرتبط در این حوزه تبدیل کند.

نمایشگاه نوشیدنی های اصفهان، بستر نوآوری های جدید برای فعالان حرفه ای در حوزه نوشیدنی ها و قهوه است. علاوه بر آن به معرفی گرایش های جدید، کالاهای جدید و راه حل های نوآورانه برای هر یک از بخش های سازنده این صنعت می پردازد و همزمان برنامه ای برای هر شاخه تجاری مرتبط ارائه می کند. تمام شرکت کنندگان این نمایشگاه، از این مکان منحصر به فرد برای افزایش وفاداری مشتری، متقاضیان و یافتن انتظاراتشان بهره خواهند برد.

این نمایشگاه، اهداف مهمی را در دستور کاری خود قرار داده که از آن جمله می توان به بررسی استانداردهای بین المللی و روش های دستیابی به آن، شناسایی آخرین دستاوردها و تکنولوژی های داخلی و خارجی در حوزه نوشیدنی ها، معرفی توانمندی های شرکت های تولیدکننده فرآورده های نوشیدنی و صنایع بسته بندی مرتبط و نقش فرهنگ و بافت اجتماعی در نوع مصرف نوشیدنی ها اشاره کرد.

علاقمندان برای کسب اطلاعات بیشتر می توانند با شماره تلفن های ۰۳۱۳۲۲۳۵۹۳۵، ۰۳۱۳۲۲۴۱۷۴۷ و ۰۹۱۳۱۱۸۷۰۱۴ تماس حاصل نمایند.

با رعایت پروتکل های بهداشتی

حامی مادی و معنوی:



شرکت آيسان خاورميانه كالا  
Aysan Khavarmiane Kala Co.

# گفت و گوی اختصاصی با مدیر عامل نمایشگاه بین المللی اصفهان آقای مهندس پارمحمدیان



**این گفت و گوی اختصاصی پیرامون دومین نمایشگاه نوشیدنی ها و برند های قهوه اصفهان با مدیرعامل نمایشگاه بین المللی اصفهان، آقای مهندس پارمحمدیان تهیه و تدوین شده است**

## « هدف از برگزاری نمایشگاه نوشیدنی ها و برندهای قهوه اصفهان چیست؟ »

دومین نمایشگاه تخصصی نوشیدنی های سرد و گرم طی روزهای ۱۵ تا ۱۸ بهمن ماه در محل دائمی برگزاری نمایشگاه های بین المللی استان اصفهان برپا می شود. در کنار این نمایشگاه، دو نمایشگاه صنایع غذایی و تجهیزات هتل، رستوران، فست فود و کافی شاپ هم برگزار می شود. نمایشگاه نوشیدنی ها و قهوه اصفهان هدف های مهمی را در دستور کار خود قرار داده که از

آن جمله می توان به بررسی استانداردهای بین المللی و روش های دستیابی به آن، شناسایی آخرین دستاوردها و تکنولوژی های داخلی و خارجی در صنایع غذایی به ویژه فست فود و نوشیدنی ها، معرفی توانمندی های شرکت های تولیدکننده صنایع غذایی، فرآورده های نوشیدنی و صنایع بسته بندی مرتبط و نقش فرهنگ و بافت اجتماعی در نوع مصرف نوشیدنی ها اشاره کرد.

## « پیش بینی شما از سطح تاثیرگذاری این نمایشگاه در استان اصفهان چیست؟ »

تجربه برگزاری دوره نخست این نمایشگاه نشان داد که بخش زیادی از جوانان، علاقمند به برگزاری چنین نمایشگاهی هستند. این علاقمندی از آنجا ناشی می شود که جوانان رویکرد جدیدی به حوزه نوشیدنی ها پیدا کرده اند و در تلاش برای کشف طعم ها و مزه های جدید هستند. از طرفی، بخش زیادی از جوانان وارد حوزه ارائه خدمات بر مبنای نوشیدنی ها شده اند که باز هم این نمایشگاه توانست آنها را با جدیدترین خدمات و انواع مطلوب فعالیت های مرتبط با این حوزه آشنا کند. در نهایت، می توان گفت که این رویداد نمایشگاهی، تاثیر بسیاری بر جوانان و خانواده ها دارد و توانسته با اقبال آنها روبرو شود.

## « ظرفیت این نمایشگاه را چطور ارزیابی می کنید؟ »

نمایشگاه نوشیدنی های سرد و گرم اصفهان، ظرفیت های بسیار بالایی برای تاثیرگذاری بر فعالان و علاقمندان این حوزه دارد. دلیل این ظرفیت بالا هم، در برگیری گسترده ای است که به لحاظ طیف فعالیتی و زیرمجموعه ها دارد. دومین نمایشگاه نوشیدنی های سرد و گرم اصفهان همانند دیگر نمایشگاه هایی که در این حیطه برگزار می شود، زیرمجموعه ها و زیربخش های متعدد و متنوعی دارد. در یک بخش از این نمایشگاه، می توان به صنعت چای اشاره کرد که تولید شامل کاشت، داشت و برداشت برگ سبز چای از مزارع و باغ های چای، روش های بهینه فرآوری برگ سبز چای برای تبدیل به انواع چای در کارخانه، آموزش کشاورزان، کارگران و کارکنان کشت و صنعت تولید چای با هدف افزایش مهارت های حرفه ای و تجهیزات مانند دستگاه های تولید، برداشت مکانیزه، بسته بندی و حمل و نقل را در بر می گیرد. در بخش قهوه هم موضوعاتی نظیر تولید شامل کاشت، داشت و برداشت دانه قهوه، فرآوری دانه قهوه برای تبدیل به انواع قهوه بو داده کافیندار، پودر قهوه و قهوه فوری و... آموزش فعالان کشت و صنعت تولید قهوه با هدف افزایش مهارت های حرفه ای مثل برگزاری دوره های آموزشی و فیلم آموزشی و تجهیزات مانند

دستگاه های تولیدی برای فرآوری، بسته بندی و حمل و نقل مد نظر قرار گرفته است. همچنین حوزه دمنوش ها و طعم دهنده ها هم در این نمایشگاه مد نظر قرار گرفته که در نوع خود، مخاطبان خاصی دارد.

## « با توجه به شرایط کرونا در کشور و افت اکثر بازارها، تاثیر نمایشگاه در راستای غلبه بر این شرایط را چطور ارزیابی می کنید و چه اقداماتی در این راستا انجام دادید؟ »

همیشه گفته ایم که نمایشگاه، ویتترین اقتصاد است. این جمله یعنی اگر می خواهید متوجه شوید که در اقتصاد یک کشور یا یک منطقه چه می گذرد، به بررسی رویدادهای نمایشگاهی آن کشور یا منطقه بپردازید. نمایشگاه، در شرایط رکود می تواند امید را در دل فعالان اقتصادی زنده کند. یک رویداد نمایشگاهی، اگر با استانداردهای صحیح برگزار شود، بخش زیادی از علاقمندان و فعالان یک رشته را به سمت خود جذب می کند و همین عامل، سبب شکل گیری شبکه ای از زنجیره تامین در حوزه کسب و کارها می شود. این زنجیره تامین قدرتمند که از نمایشگاه آغاز می شود، در نهایت به رونق حوزه اقتصاد می انجامد. پس، می توان با جدیت عنوان کرد که اگر می خواهیم یک حوزه اقتصادی را با رونق مواجه کنیم، باید نمایشگاه قدرتمندی در آن حوزه برگزار کنیم.

## « جهت جلوگیری از شیوع ویروس کرونا در نمایشگاه چه اقداماتی در راستای پروتکل های وزارت بهداشت در نظر گرفته اید؟ »

در جریان هستی که با تصمیم وزارت بهداشت و ستاد پیشگیری از شیوع کرونا، نمایشگاه ها در دسته دوم کسب و کارها قرار گرفته اند. این یعنی برگزاری نمایشگاه ها در شرایط زرد و نارنجی بلامانع است. این تصمیم گیری نشان می دهد که سیاستگذاران حوزه بهداشت و درمان، به اهمیت رونق اقتصادی در توسعه کشور آگاه هستند و تلاش می کنند از ابزارهای اصولی برای ایجاد رونق در شرایط کرونا استفاده کنند. در کنار این شرایط، شرکت نمایشگاه های بین المللی استان اصفهان تلاش کرده با رعایت پروتکل های بهداشتی، از خطر شیوع کرونا بکاهد. در ابتدای ورود بازدیدکنندگان به نمایشگاه، سلامتی آنها در اپلیکیشن ماسک چک می شود و در صورتی که خودشان یا یکی از اطرافیان نزدیکشان مبتلا به کرونا باشند، از ورود آنها به نمایشگاه جلوگیری

می شود. همچنین ورود بازدیدکنندگان بدون ماسک به نمایشگاه ممنوع است. ضمن اینکه، تجهیزات ضد عفونی کننده هم در نقاط مختلف نمایشگاه نصب شده اند تا بازدیدکنندگان هر زمانی که نیاز پیدا کردند، دست های خود را ضد عفونی کنند. در کنار این موضوع، پروتکل های بهداشتی به غرفه دارها و شرکت های حاضر در نمایشگاه هم به صورت جدی تذکر داده شده و از آنها خواسته ایم این پروتکل ها را رعایت کنند.

## « به عنوان مدیرعامل نمایشگاه بین المللی اصفهان چالش های پیش روی صنعت نمایشگاهی را چه می دانید و چگونه می توان این چالش ها را به فرصت تبدیل کرد؟ »

در شرایط فعلی که فعالیت های اقتصادی کمی با رکود مواجه شده و شرایط نامطلوبی در کشور حاکم است، نمایشگاه ها می توانند به افزایش امید در بین فعالان اقتصادی منجر شوند. اگر مجموعه فعالیت های نمایشگاهی را به عنوان یک صنعت در نظر بگیریم، این صنعت از باب اینکه می تواند صنایع دیگر را به مصرف کنندگان معرفی کند، اهمیت فراوانی دارد. همچنین نمایشگاه ها به دلیل ارتقای سطح کمی و کیفی تولیدات کشور و هموار کردن راه صادرات محصولات صنایع مختلف به کشورهای دیگر، اهمیت خاص و ویژه ای دارند. اگرچه نسبت به سنوات گذشته، اکنون جایگاه نمایشگاه بین المللی و صنعت نمایشگاهی برای تجار و صنعتگران آشکارتر شده، اما به نظر می رسد این صنعت هنوز در کشور ما جای کار فراوانی دارد. یکی از اصلی ترین برنامه هایی که در نمایشگاه اصفهان دنبال می شود، توسعه فعالیت های نمایشگاهی به ویژه در فضای بین المللی است. در این زمینه، تاکید داریم که پا را از کشورهای همسایه فراتر گذاشته و حضور فعالان اقتصادی اصفهانی و ایرانی را در نمایشگاه های بین المللی خارج از کشور افزایش دهیم. نمونه آن هم مشارکت در برگزاری نمایشگاه های مختلف بین المللی در کشورهای مانند ترکیه، عمان، کنیا، قطر، تاجیکستان، مالزی و کشورهای مختلف جهان است که بازارهای ارزشمندی را پیش روی فعالان اقتصادی کشورمان قرار می دهند. از طرف دیگر، باید به این نکته توجه داشت که خوشبختانه در سال های اخیر، نمایشگاه ها نسبت به دوره های قبل، رشد بهتری هم از نظر وسعت و هم از نظر منابع مالی و کیفیت برگزاری داشته و دارد. کاهش هزینه ها و سودآوری بیشتر، کمک خوبی برای شرکت نمایشگاه های بین المللی استان اصفهان برای حرکت در مسیر افزایش خدمات و فضای نمایشگاهی در داخل و تلاش برای حضور در نمایشگاه های خارج از کشور



# اصفهان پنجمین جایزه قهوه ایران نصف جهان

دومین نمایشگاه بین المللی نوشیدنی ها  
و برندهای قهوه اصفهان  
بررسی ظرفیت ها و تاثیرات نمایشگاه



## گفت و گوی اختصاصی با مسئول برگزاری نمایشگاه بین المللی اصفهان آقای مهندس علیرضا ارحام صدر



این گفت و گوی اختصاصی پیرامون دومین نمایشگاه نوشیدنی ها و برند های قهوه اصفهان با مدیرعامل نمایشگاه بین المللی اصفهان، آقای مهندس ارحام صدر تهیه و تدوین شده است

### «هدف از برگزاری نمایشگاه نوشیدنی و برندهای قهوه چیست؟»

در سال ۹۷ به همراه تیم تحقیق و همکاران نمایشگاه اصفهان در جلسه ای، تصمیم گرفتیم به زیرشاخه‌های نمایشگاه صنایع غذایی بیشتر توجه کنیم. همانطور که می‌دانید در اصفهان نمایشگاه جامعی تحت عنوان نمایشگاه صنایع غذایی، هر سال برگزار می‌شد که طیف گسترده‌ای از عناوین مختلف را در خود جای می‌داد. از جمله نوشیدنی‌ها، نان و شیرینی و شکلات، صنایع بسته بندی (در حوزه محصولات غذایی). بخش نوشیدنی‌ها فقط یکی از زیرشاخه‌های این نمایشگاه بود. سال ۹۷ تصمیم بر آن شد، عنوان جدیدی را تعریف کنیم و افتخار اجرای این پروژه را بر عهده من گذاشتند. سال گذشته برای اولین بار نمایشگاه نوشیدنی‌ها و برندهای قهوه به صورت مستقل برگزار شد. البته اخذ مجوزهای مربوط به نمایشگاه نان و شیرینی و شکلات نیز که یکی از زیرشاخه‌های نمایشگاه صنایع غذایی است، انجام شده که متأسفانه وضعیت کرونا، در سال جاری، موجب لحاظ کردن تغییراتی در برگزاری برنامه شد.

### «پیش بینی شما از تاثیر این نمایشگاه در سطح استان اصفهان چیست؟»

ما سال گذشته با شعار «اصفهان، پایتخت قهوه‌ی ایران» برای اولین بار نمایشگاه نوشیدنی‌ها را به عنوان نمایشگاهی مجزا تعریف کردیم. با توجه به کیفیت برگزاری و دعوت و حضور تمامی برندها، تجار، علاقه‌مندان و متخصصان این حوزه در این نمایشگاه، این هدف غایی را در نظر داریم تا نمایشگاه نوشیدنی اصفهان، به عنوان نمایشگاهی ثابت و دائمی در حوزه تخصصی قهوه ثبت شده و هر جا صحبت از رویدادی در این خصوص باشد، حضور اصفهان درخشان باشد.

### «ظرفیت‌های این نمایشگاه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟»

قبل از پاسخ دادن به این سؤال، لازم می‌بینم از مدیرعامل برگزاری نمایشگاه فعلی جناب مهندس یارمحمدیان که همت کردند و در عرض سه سال این پروژه ملی را که ساخت و احداث آن بیش از هفده سال به طول انجامیده بود را به نتیجه برسانند و فلان اول که یک سالن بسیار شیک و زیبا و با قسمت ریجستری و متراژ حدود ۲۱ هزارمترمربع و تاسیسات پیشرفته و مدرن است، افتتاح نمایند. این نمایشگاه به مکان بسیارآبرومندی برای شهر تبدیل شده که ظرفیت معرفی همه شرکت‌ها و تولیدکننده‌گان و تجار را فراهم می‌آورد. برگزاری نمایشگاه در این سالن، تجربه بسیار خوبی است؛ چرا که هیچ کدام از کاستی‌ها که در نمایشگاه‌های پیشین تجربه کردیم را در این مکان نداریم.

### «چند شرکت در این نمایشگاه شرکت کردند و در چه گروه‌هایی دسته بندی می‌شوند؟»

امسال با توجه به جلساتی که ستاد کرونا تشکیل داده بود، اعلام شد که در سه ماه آخر سال نمایشگاه‌هایی که جنبه تخصصی دارند، برگزار شوند. همزمان با نمایشگاه نوشیدنی و قهوه، تجهیزات هتل و رستوران (که مجری آن نیز ما هستیم) و در قسمت دیگر نمایشگاه یک بخش صنایع غذایی با رویکرد بسته بندی حضور دارد. که البته به کار ما نیز نزدیک است. شرکت‌های سمت راست سالن حدوداً هفتاد و سه شرکت هستند. در بخش نوشیدنی بیشتر بخش فعالان قهوه هستند. در بخش تجهیزات هتلی هم تولیدکنندگان تجهیزات آشپزخانه صنعتی و میلمان و ملزومات هتلی شرکت کردند.

### «نقش بخش خصوصی و دولتی در این نمایشگاه تا چه میزان پررنگ است؟»

در حال حاضر، بیشتر شرکت کنندگان را بخش خصوصی تشکیل می‌دهند و در بخش دولتی شاید فقط حضور سازمان فنی و حرفه‌ای استان اصفهان را داشته باشیم. جناب دکتر اخوان که دیدگاه بسیار روشنی به صنعت و آموزش دارند و بسیار با پشتکار هستند، تقریباً در تمامی نمایشگاه‌های اصفهان حضور داشته و

در نمایشگاه‌ها از اساتید و کادر تخصصی برای بخش آموزشی بهره می‌برند و ما نیز به پشتوانه حضور این بزرگواران درسالن نمایشگاه، کارگاهی را برنامه ریزی کردیم که از زمان استارت تا انتها با حضور این اساتید و متخصصان ورکشاپ‌های رایگان در حوزه‌های تخصصی برگزار نماییم. کارگاه‌های ادویه در کباب، ادویه در جوجه، آموزش کیک پزی کافی شاپی، دورچینی غذا و...

### «بازخورد نمایشگاه را چگونه برآورد می‌کنید؟»

باور شخصی من این است، باید تمام تمرکز روی برگزاری باشد. در انتها و تنها، پس از برگزاری می‌توان مدعی انجام کار و کیفیت پروژه بود. اما پیش بینی و انتظار شخص من با توجه به استقبال خوب گروه‌های متخصص در این حوزه در سطح کشور، استانهای دیگر و در شهر اصفهان و با توجه به نمایشگاه سال گذشته که از نظر کیفی و نمایشگاهی قابل افتخار و کارآمد بود، این است که امسال نیز حتی با توجه به شرایط سختی که بیماری کرونا پیش آورده، ما با تلاش و رعایت استانداردهای کیفی و پروتوکول‌های بهداشتی به نتیجه مطلوب خواهیم رسید.

### «با توجه به شرایط کرونا، در کشور و افت بازارها، تاثیر نمایشگاه در راستای غلبه بر این شرایط را چگونه ارزیابی می‌کنید و چه اقداماتی در این راستا انجام داده‌اید؟»

هرنمایشگاهی که این روزها برگزار می‌شود مجوز ستاد کرونا و مجوزهای استانی را حتماً دارد. مقامات استانی و ستاد کرونایی معتقدند برگزار شدن نمایشگاه‌های تخصصی که بخشی از برنامه‌های اجرایی‌شان متمرکز بر معرفی کارخانه‌های تولیدی و معرفی تولیدات داخلی است، و می‌تواند بستری برای معرفی به مشتریان و بازار باشد، نباید به تعویق بیفتد. در نتیجه این نمایشگاه با توجه به سیاست کلی حمایت از تولیدات و خدمات، که شامل معرفی کارخانه‌های تولیدی و همچنین معرفی محصولات و تولیدات جدید برای یافتن بازار هدف و مشتری است، برگزار می‌شود. سعی ما بر این است از بازدید کنندگان تخصصی دعوت شود و در نمایشگاه نیز تمامی پروتوکول‌ها رعایت خواهد شد.

### «جهت جلوگیری از شیوع ویروس کرونا در نمایشگاه چه اقداماتی در راستای پروتوکول‌های وزارت بهداشت، در نظر گرفته‌اید؟»

ورود فقط با کارت ملی امکان پذیر است تا متصدیان بخش ورود، بتوانند افراد را در سامانه مربوط چک کنند و به این صورت از ورود افراد مشکوک به بیماری پیشگیری به عمل آید. تب سنجی و ضد عفونی و ممانعت از ورود افرادی که ماسک ندارند نیز از دیگر اقدامات امنیتی برای برگزاری هر چه ایمن تر نمایشگاه

خواهد بود. در کل نمایشگاه در فاصله‌های مشخص دستگاه‌های ضد عفونی قرار داده‌ایم و هر چند ساعت کف سالن‌ها ضد عفونی می‌شود. علاوه بر درهای ورود و خروج کلی، مجموعه دارای درهای اضطراری و درهای بارگیری است که در کل زمان برگزاری بازخواهد بود و علاوه بر این در کل سالن هواکش‌ها و تهویه‌های مناسب قرار دارد که به صورت دائمی هوا را تهویه کنند. فاصله راهروها ۷ متر در نظر گرفته شده تا فاصله ای امن و کافی باشد. با توجه به داشتن مساحت بالای سالن ما توانستیم فاصله گذاری اجتماعی را به درستی رعایت کنیم.

### «به عنوان بنیانگذار نمایشگاه قهوه اصفهان، چالش‌های پیش‌رو در این صنعت به‌خصوص در شرایط کرونا را چگونه می‌بینید؟ پیشنهاد شما برای غلبه بر این چالش‌ها چیست؟»

با توجه به اینکه در حال حاضر ورود برندهای خارجی قهوه به کشور ممنوع هست و شرکت‌های تولیدی در حال تولید قهوه داخلی با بسته بندی شکیل و برند سازی هستند. لازم است ما به این افراد کمک کنیم که بازارها هدف خود را شناسایی کنند، فروششان و به واسطه نبود مشتری، تولیداتشان قطع نشود؛ بتوانند محصولات خود را به درستی معرفی کنند. ما باید فرهنگ استفاده از کالای داخلی را بالا ببریم و تعادلی بین فرهنگ تولید و مصرف ایجاد کنیم.

باز تاکید می‌کنم، با توجه به نبود برندهای خارجی در بازار، تولیدات داخلی ما بیشتر به چشم می‌آید که اتفاقاً تولیدات خوبی هستند و طعم‌های مختلفی را ارائه می‌دهند، لازم است همه مسئولین کمک کنند. این شرکت‌های تولیدی نیاز به حمایت دارند تا روی برند سازی‌شان بیشتر کارکنند. دولت باید حمایت کند این صنعت که یکی از پردرآمدترین مشاغل در کل دنیا است، پا بگیرد. صنعت قهوه با آن‌که در ایران نوپا است، اما با توجه درست و حمایت می‌تواند پیشرفت کند.

### «در پایان، چه توصیه و درخواستی از متولیان امر دارید؟»

نظر من این است که باید این سؤال از کسانی که در نمایشگاه شرکت کرده‌اند و غرفه دار هستند و به اصطلاح دستی بر آتش دارند، پرسیده شود. ما فقط مجری برگزاری این نمایشگاه هستیم تا تریبونی برای این عزیزان باشیم و به آنها فرصت معرفی بدهیم. اما قطعاً باعث افتخار ما خواهد بود که مسئولان و متولیان گرانقدر با حضور خود در نمایشگاه در کنار متخصصان و فعالان در این حوزه به شناسایی مشکلات و معضلاتی که در مسیر شاغلان در حوزه نوشیدنی و به‌خصوص قهوه است، پرداخته و از این عزیزان حمایت نمایند.

گفت‌وگوبا

# صالح میرزا آقایی

بازیگری و سفر، ارتباط درونی با یکدیگر دارند! بازیگر دائماً در حال سفر در مکان و زمان است. یکی از جذابیت‌های بازیگری، سفر گروهی به نقاط مختلفی است که شاید در زندگی روزمره و عادی میسر نباشد. یک بازیگر علاوه بر تجربه‌های مربوط به رشته تخصصی خود در حین کار، شناخت نقاط مختلف، فرهنگ‌ها و آداب رسوم و آشنایی با مردم مختلف را نیز تجربه می‌کند. از این رو مجله سفرنویسان برای بررسی بیشتر این ارتباط گفت و گویی را با هنرمند سرشناس کشور، آقای صالح میرزا آقایی انجام داده است. هنرمندی که حمایت بسیار زیادی از این مجله تا به امروز داشته و خواهد داشت که در ادامه شما را به مطالعه آن دعوت می‌کنیم.



## « به نظر شما صنعت سینما و گردشگری می‌توانند چه کمکی به هم بکنند؟ »

بسیار ارتباط زنده و مستقیمی بین این دو صنعت وجود دارد. با توجه به سابقه بازیگری سی ساله ام و چند سالی که مدیر تبلیغات شرکت گلفام سفر بوده ام این مهم را دریافته‌ام، زمانی که شما سفر می‌کنید و با لوکیشن‌های خاص و جذاب آشنا می‌شوید، سریع این موضوع توجه شما را جلب می‌کند که از آن لوکیشن در فیلم استفاده کنید. برای مثال با تماشای طبیعت تایلند یا اندونزی فکر می‌کنید که در فیلم یا سریالی از آنجا بهره ببرید. این معادل همان شور و هیجانی است که با دیدن یک منظره بکر با جلوه گر شما را ترغیب می‌کند، به صورت عکس یا ویدئو ثبتش کنید. دوست دارید به اشتراکش بگذارید. در مورد یک فیلم‌ساز، کارگردان یا بازیگر هم بر همین منوال است. انسان به ذات زیبایی را دوست دارد. موجودی اجتماعی است و مایل است طبیعت و حال و هوایی که لذت‌بخش است را، با عزیزانش به اشتراک بگذارد. لوکیشن‌هایی در ایران، پس از پخش فیلم یا سریال، گردشگران را به آن منطقه جذب کرده‌اند. مثلا سریال بازی تاج و تخت که در کشورهای اسپانیا، ایرلند شمالی، کرواسی، یونان و... تهیه شد. البته در بیشتر سکانس‌ها از جلوه‌های ویژه بهره برده‌اند، اما طبیعت استفاده شده در سریال و حتی برخی خیابان‌ها و بناهای تاریخی در کشورهای فوق‌الذکر بودند و بعد از پخش سریال مردم زیادی به آن مناطق زیبا و دیدنی سفر کردند.

یا در مثال دیگری، مناطق خشک و گسترده آلمیرا در جنوب شرق اسپانیا که مدت‌های طولانی مورد توجه فیلم‌سازان بوده‌اند. (در سریال بازی تاج و تخت نیز این لوکیشن به تصویر کشیده شده است.) بیابان تابرناس برای فیلم وسترن «خوب، بد، زشت» ساخته سرژیو لئونیه مورد استفاده قرار گرفت. همه این مثال‌ها که در عرصه‌ی سینما کم هم نیستند، تاثیر صنعت سینما بر گردشگری را نشان می‌دهد.

## « جای چه چیزی در صنعت گردشگری خالی است؟ »

بزرگترین خلا موجود در صنعت گردشگری، مدیریت کلان و عدم توجه کافی به این صنعت است. برعکس جوامعی که در این عرصه پیشرفت داشتند و به این صنعت توجه و تکیه کرده‌اند. برای نمونه، کشور ترکیه مثال خوبی برای این نوع از درآمد زایی است. کشور ما دارای جذابیت‌های زیادی است و در جهان شناخته شده، اما گویا برای مسئولین امر گردشگری جذابیت کافی را ندارد! ما در سرزمینی چهار فصل زندگی می‌کنیم با جاذبه‌های طبیعی فوق‌العاده، مناظری گاه آن‌قدر زیبا که وقتی به آن خیره می‌شوی، شاید حتی در باورت نگنجد. ما کشوری با تاریخ کهن هستیم، بناهای بسیار نادر، طبیعتی خیره کننده و ندیده گرفتن تمام این پتانسیل بسیار غم‌انگیز است.

## « به نظر شما تولیدی سخت‌تر است یا بازیگری؟ کدامیک جذاب‌تر هستند؟ »

قبل از بازیگری علاقه خاصی به تولیدی داشتم، چون مثل بازیگری است. باید بتوانی برای گروه جذاب باشی، دارای اطلاعات خوب باشی، کاریزماتیک باشی، خوش صحبت باشی و... اما بدون شک بازیگری بسیار سخت‌تر است. به این علت که باید در هر فیلم و یا سریال یک شخصیت جدیدی را خلق کنید. به نظرم جذاب‌ترین و هیجان‌انگیزترین شغل دنیا بازیگری است، چون شرایطی را برای شما فراهم می‌کند که شاید در زندگی روزمره و عادی برایتان فراهم نشود. شما در بازیگری جسم و گفتار تان را در اختیار کاراکتری قرار می‌دهید و زبان گویای او می‌شوید. اندیشه‌های او را به زبان می‌آورید، رویاها و زندگی او را به تصویر می‌کشید و از نگاه او به جهان می‌نگرید. به یقین بازیگری سخت‌تر و البته شیرین‌تر است.

## « برای شروع، باید بیرسم سفر از نگاه صالح میرزا آقایی چطور تعریف میشه و چه مفهومی در زندگی و کارش داره؟ »

سفر از نظر من، یعنی کندن از یک فضای راکد، مملو از روزمرگی‌ها و جدا شدن از فضای کسالت بار تکرار زده. سفر یعنی جنب و جوش، یعنی حال خوب داشتن، یعنی دل سپردن به جاده، خارج شدن از پوسته درونی و بیرونی خودت، مکاشفه ادیسه وار برای کشف و شهود خودت و جهان پیرامون! سفر یعنی کشف کردن، آگاه شدن، دوباره زاده شدن و از نو نگاه کردن به دنیا. البته خالی از لطف نیست به سفر و جهان از دید شاعر و نویسنده گرانقدر هندی «رابیندرانات تاگور» نیز اشاره‌ای کنم. «من گرداگرد جهان را گشته ام از شرق افسانه‌ای تا غرب دور، همه جای جهان را دیده‌ام. اما فراموش کرده ام تا شبم کوچکی را روی برگی گل، مقابل خانه‌ام، بینم که در انعکاس خود همه جهان را برایم متجلی می‌کرد.» این نیز نگاهی متفاوت به همان مقوله‌ی کشف و شهود و مکاشفه در سفر است که اتفاقا با اندیشه‌هایم هم‌خوانی دارد. مفهوم کلی این جمله چنین است، به درون خود رجوع کن! آن قطره‌ی شبم می‌تواند بخش کیمیای وجود آدمی باشد که کل جهان را در خود منعکس و متجلی می‌کند.

## « به نظر شما ارتباط سفر با بازیگری در کجاست؟ »

سفر و بازیگری دارای یک حال و هوا هستند. بازیگری یعنی سفری ادیسه‌وار به اعماق وجود آدمی به قصد دریافت درونیات کاراکتر و دنیاش و خلق کردن و جان بخشیدن، ملموس کردن یک نقش که بر کاغذ تحریر شده. بازیگری سفری در راستای مکان و زمان و مختصات روان آدمی است. در سفر شما به دنبال کشف هستید، کشف آدم‌های جدید، مکان‌های جدید، که این خود اشتراک‌های فراوانی بین بازیگری و سفر ایجاد می‌کند.

## « تاثیر سفر بر حرفه بازیگری چقدر است؟ »

بازیگری، یک نوع سفر است. به دلیل شرایط حرفه‌ی بازیگری معمولا در سفر هستیم. شخصا چندین کار در خارج از کشور داشتم. مثلا مسکو، پاریس، لبنان، ترکیه و دبی. به واسطه بازیگری در فیلم و سریال، سفرهایی داشتم که بستر شناخت فرهنگ‌ها و تمدن کشورهای دیگر شد. در ایران هم کارهای مختلفی به خصوص کارهای تاریخی، که به نحوی سفر در زمان هستند را، تجربه کرده‌ام و این یک نوع ارتباط درونی با سفر برای من ایجاد می‌کند که بزرگترین تاثیر را بر هر بازیگری می‌گذارد. شما به عنوان یک بازیگر در هر نقشی آدمی متفاوت از خود را به تصویر می‌کشید. آدمی که قرار است در لوکیشن‌های تعریف شده متولد شده باشد. به بالندگی و جوانی رسیده باشد. در آن مرز و بوم نفس کشیده باشد و به آن جغرافیا و خاک، وابستگی عاطفی داشته باشد. یک بازیگر در هر سفر بیشتر از یک مسافر و گردشگر به آدم‌های دور و برش نزدیک می‌شود. به طبیعت اطرافش، به خیابانها، کوچه‌ها، بافت‌های قدیمی شهر.

## « به نظر شما چه چیزی برای پیوند این دو صنعت مانند کشورهای پیشرفته در صنعت گردشگری لازم است؟ »

مهمترین عامل پیوند این دو صنعت، مدیریت است. در صورتی که متولیان امر گردشگری به خصوص مدیران ارشد این حوزه، آشنایی کافی به صنعت سینما و تاثیر آن در راستای معرفی و جذب گردشگران داشته باشند، برنامه‌ای در جهت هدایت و استفاده از لوکیشن‌های تاریخی و همچنین همکاری مشترک با سینماگران در راستای استفاده از همین لوکیشن‌ها در ساخت فیلم‌ها و سریال‌ها تهیه و اجرا خواهند کرد. برای نمونه شهرک علی حاتمی، هزار دستان، غزالی لوکیشن گردشگری جذابی است که هم سینماگران می‌توانند از آن بهره‌مند شوند و هم صنعت توریسم و این باعث رونق گرفتنش نیز خواهد شد!







### « در سفر چه چیزی شما را بیشتر جذب می‌کند؟

اجازه بدهید من از شما بپرسم، در سفر چه چیزی آدم را جذب نمی‌کند؟! کلمه سفر و نفس آن، به تنهایی جذاب است. کل فرایند سفر از شروع و تدارک برای سفر تا مسیر و مقصد، دارای جذابیت‌های خاص خودش است. یکی از جذابیت‌های پر رنگ سفر آشنایی با آدم‌های جدید است، چه در داخل ایران و چه خارج از کشور، برای مثال در یکی از کارها ما به آبادان سفر کردیم و در یک عشیره در نخلستان‌های زیبا و مهمان مردمان عرب کشورمان بودیم. یا در سفرهای دیگرم با گیلانی‌ها به اصطلاح گیله مردها هم نشین و هم‌سفره شدم. همچنین در سفر به مازندران مردمان خونگرم خطه شمالی، سفر جز دیدار با مردم جدید، آدم را با فرهنگ‌ها، آداب و رسوم متفاوت آشنا می‌کند. خوراک محلی، نحوه مهمان‌نوازی و آداب پذیرایی هر مرز و بوم متفاوت است.

در سفرهایم به فرانسه و روسیه، ترکیه، لبنان، دبی و... با فرهنگ مردم آنجا آشنا شدم هرشهر، کشور و جامع‌تر، هر تمدن و فرهنگی جذابیت‌هایی عیان و پنهان دارد. جذابیت‌هایی برای کشف کردن. بعضی از این جذابیت‌ها را شما در نوع لباس و پوشش بومی، ساخت بناها و حتی در خوراک و برخورد ساکنین با خود می‌بینید. اما اصل موضوع عمیق‌تر است. مثلا در روسیه، شیوه پوشش آن‌ها یکی از جذابیت‌های تکرار ناشدنی بود. در سرمایی که تحملش برای ما سخت بود، سرمایی معادل منفی ۳۰ درجه سانتیگراد ما در میدان سرخ مشغول کار بودیم، با پالتو و لباسهای بسیار گرم، اما مردم آنجا گویا به راحتی خودشان را با سرمای هوا وقف داده بودند! وقتی با آنها صحبت می‌کردیم، برایمان از نوع آموزش‌ها در دوران کودکی برای مقابله با سرما گفتند. بنابراین آدم‌ها، فرهنگ‌ها، آداب و رسوم، مکان‌های تاریخی و تفریحی برای من در سفر جذاب هستند.

### « حال و هوای مسافرت به دلیل نقش آفرینی در سریال‌ها و فیلم‌ها چگونه است؟

زمانی که شخصی به سفر می‌روم، به قصد لذت بردن می‌روم. اما زمان کوتاهی دارم. ولی زمانی‌که با یک گروه برای یک فیلم و یا سریالی سفر می‌کنم به دلیل اینکه زمان بیشتری دارم و در زمان‌هایی که آزاد هستم، بیشتر از دیگر دوستان به شناسایی منطقه می‌پردازم. من شاید جزء معدود بازیگرانی هستم که به شناخت منطقه اطراف می‌پردازم. معمولا قبل از سفر آن منطقه را بررسی می‌کنم، برای خودم برنامه گشت و گذاری مدون می‌کنم که در زمان آزادم به آن مناطق سربرزم. چون همراه با فیلم‌ها و سریال‌هایم همواره سفر می‌کنم، تلاشم بر آن است که بهترین استفاده را از سفرهایم داشته باشم، سفر فرصتی شگرف برای شناخت مردم، فرهنگ و باورداشتهای هر منطقه است. مثلا زمانی‌که در مسکو بودم به خیلی جاها سر زدم، میدان سرخ، خانه‌ی داستایوسکی، بال شو تئاتر مسکو، موزه‌ی پوشکین. در سفرهایم به لبنان از موزه جبران خلیل جبران منطقه‌ی بایبلوس، ترابلوس و داون تاون دیدن کرده ام. یا در سفرم به استانبول از موزه معصومیت که مربوط به نویسنده معروف‌شان «اورهان پاموک» است و همچنین موزه توپکاپی که بسیار شاخص و مطرح است و یک روز برای بازدید کامل موزه کفایت نمی‌کند. و البته در مورد سایر سفرهایم فرانسه، دبی و... همیشه سعی می‌کنم به بیشتر فضاهای فرهنگی‌شان سربرزم.

### « کدام فصل سال برای مسافرت و کجای ایران از نظر شما جذاب‌تر است؟

این سوال را باید با شعری از اخوان ثالث جواب بدهم. «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» همه فصول جذابیت خاص خود را دارند، اما برای من، بهار حال دیگری دارد. همه جای ایران بسیار زیباست از جنوب تا شمال، از غرب تا شرق، از کردستان با مردمان سخت کوش و طبیعت فوق‌العاده اش تا گیلان و سرسبزی بی اندازه‌اش که بهشت را تداعی می‌کند. از جنوب با صفا، بندرعباس، قشم و کیش گرفته تا شیراز و اصفهان، به هر جا نگاه کنی، زیبا است. من همه جای ایران را دوست دارم. هر فصلی هم زیبایی‌های خودش را دارد. برای مثال من سریالی را در مازندران سمت آلاشت در فصل پاییز کار می‌کردم، برگ‌های هزار رنگ طلائی در منطقه‌ی پل سفید، ورسک که بسیار زیبا و شگفت انگیز بود. یا در شیراز در فصل بهار با عطر بهار نارنج‌های دوست داشتنی، واقعا بسیار زیبا است و باید گفت همه جای ایران برایم جذاب است.

### « جذاب ترین شخصیت تاریخی از نظر شما کیست ؟

از نظر من بهترین و جذاب‌ترین شخصیت تاریخی، مارکوپولو است. یکی از آرزوی‌های دیرینه من این است که مثل مارکوپولو، بتوانم دنیا را بگردم و از ایران شروع کنم. البته به خیلی مناطق ایران سفر کرده‌ام، اما دلم می‌خواهد تجربیات سفرهایم از کشورم، کامل‌تر باشد. اکنون که سنم بیشتر شده، همیشه می‌گویم: ای کاش از ۲۰ سالگی می‌توانستم بروم دور دنیا را بگردم. علاقه

خاصی به ثبت لحظات با استفاده از عکاسی و نوشتن دارم تا به این صورت بتوانم از خودم چیزی را به یادگار بگذارم. سفر به انسان می‌آموزد. آدمی در سفر رشد می‌کند، تاز می‌شود و تغییر می‌کند. تغییری به سمت بلوغ و کمال.

### « کدام یک از دوستان هنرمند شما در عرصه سینما و موسیقی مانند شما اهل سفر هستند؟ و یک خاطره و خصوصیت از ایشان بیان کنید؟

اکثر رفقا و بازیگران اهل سفر هستند. چون اصولا بازیگر اهل سفر و مکاشفه است. اما یکی از دوستان که با او همسفر شدم، امین زندگانی بود. بسیار مهربان، خوش قلب و خوش مشرب و بسیار با درایت است. همه این‌ها باعث می‌شود سفر با او، لذت بخش‌تر شود. همینطور بسیار شوخ و فداکار است، خود خواه نیست و حال همسفرش را درک می‌کند. خاطره‌ای که با امین داشتم، یک سیزده بدر در منطقه ترابلوس لبنان بودیم که این منطقه طبیعت زیبا و شگفت انگیزی هم دارد و با امین بسیار خوش گذشت.

خاطره مشخصی که از این سفر دارم مربوط به زمانی است که در یک خیابان در منطقه دان تاون لبنان که فروشگاه‌های مختلفی داشت، قدم می‌زدیم، مردم به امین بسیار نگاه می‌کردند و من گفتم: درست‌ه که بازیگری، ولی اینجا لبنان است و نباید تو را بشناسند» امین هم گفت: بله نمیدونم چرا نگاه می‌کنند؟! بالاخره به دلیل اینکه خانم‌ها بیشتر نگاه می‌کردند، که احتمالا به خاطر خوشتیپی و جذابیت امین بوده، از خانمی، سوال کردم که دلیل این نگاه‌ها چیست؟ گفت: به دلیل داشتن ریش و موی بلند ایشان، خیلی ما را به یاد حضرت مسیح میندازه! هر زمان با هم بودیم من همیشه این خاطره را یادآوری می‌کردم.

### « خاطره‌ای جذاب از سفرهایی که بابت بازی در سریال یا فیلم داشته‌اید به صورت خلاصه بیان کنید؟

سفر یعنی خاطره. برای مثال در سال ۱۳۸۳ در کشور لبنان برای فیلم « برای دیورا» به کارگردانی مرحوم سید ضیاء الدین دری، من و امین زندگانی که بسیار خوش مشرب و دوست خوبی است، هم اتاق بودیم با هم به دیدن خانه جبران خلیل جبران رفتیم و مکان‌های جذاب شهر، کلیساهایش را دیدیم. برای فیلم «استرداد» در سال ۱۳۹۰ به مسکو رفتم که در کاخ کرملین کار کردیم، بسیار شگفت انگیز بود. این شرایط را بازیگری برایت فراهم می‌کند، در جاهایی کار می‌کنی که در زندگی عادی نمی‌توانی. یک سکانس جذاب داشتیم، ما را به ۱۸ طبقه زیر زمین بردند! فضایی بسیار بزرگ در زمان جنگ جهانی دوم ساخته شده بود تا مردم در زمان بمبارانهای جنگ، آنجا پناه بگیرند. یا در کشور فرانسه در مدرسه‌ای کار کردیم که افراد عادی اجازه ورود نداشتند. همینطور در سریال بانوی عمارت، خانه طباطبایی‌ها، برای من شگفت انگیز بود. لباس‌هایی که در این عمارت داشتم و آن گریم‌ها بسیار جذاب بود. وقتی به عنوان یک گردشگر به جایی سفر می‌کنید، با آن زمان که به عنوان یک بازیگر، با نقشی مشخص در داخل یک بنای تاریخی، طبیعت بکر یا حتی



فقط یک خیابان راه می‌روید. همه چیز متفاوت است. آدم در آن لحظه بخشی از تاریخ، زمان، رویداد و جغرافیا می‌شود. سفر از لحظه‌ی آغازش خاطره سازی می‌کند. شما حتی بعد از پایان سفر هنوز در ذهنتان در مسیرهایی که از آن گذشته‌اید، پرسه می‌زنید. مرورشان می‌کنید.

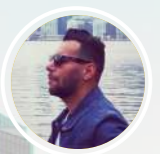
### در پایان باید بگویم، قصد داریم در هر شماره، با کمک شما یکی از هنرمندان عزیز ایران را دعوت کنیم تا به جمع اهالی سفر بپیوندند. شما کدام بازیگران را دعوت می‌کنید؟

پیشنهاد می‌کنم برای شماره‌های بعدی با امین زندگانی و رامتین خداپناهی که هم اهل سفر هستند و هم اهل قلم، گفت و گو داشته باشید. من هم در این خصوص حمایت لازم را انجام می‌دهم .

# کانادا

## جهان از نگاه بنیامین مارکو

بنیامین رضایی  
یادداشت



کانادا، دومین کشور بزرگ جهان، با آدم‌های بسیار متواضع، مهربان و مودب است. کانادایی‌ها به معذرت‌خواهی کردن بسیار معروف‌اند، بله، کانادا، کشور سردسیری است و وقتی در سردترین نقطه کانادا، دنبال گرم‌ترین آغوش هستی، متوجه میشوی که زندگی همه‌جوره زیباست! این سرزمین پذیرای فرهنگ‌ها، نژادها و مذاهب‌های گوناگونی است. زبان ملی مردم، انگلیسی و فرانسوی و واحد پولشان، دلار کانادا است. به همین دلیل، رنگ خدا، در ونکوور، به رنگ باران و در تورنتو، به رنگ دلار است!

این سرزمین، بیشترین تعداد دریاچه‌های دنیا را، در خود جای داده. گویا خدا، برای هر جفت عاشق، یک دریاچه ساخته است که عشاق، آن را بنام خود ثبت کنند! کانادا، خانه تحصیلکرده‌ترین مردم دنیا است. به همین خاطر زیر بغل هر کانادایی، یک کتاب قانون وجود دارد! نباید از مهربان و مودب‌ترین آدم‌های دنیا که در این سرزمین دیده‌ام، گذشت. کانادا، زادگاه جمعیت انبوه خرس‌های قهوه‌ای، سیاه و سفید است، که در کنار مردم این سرزمین با صلح زندگی کرده و ماهی‌های سالمون را با همدیگر تقسیم می‌کنند.



۱۰ درصد از جمعیت کانادا را گیاه‌خواران، تشکیل می‌دهند. اما غذاهای چرب و چیل هم، در این کشور کم نیست، کانادایی‌ها عاشق پوتین هستند! اما نه پوتین روسیه! (پوتین اسم غذای ملی کانادا است.) کانادا پر است از افرادی همچون جاستین بیبر، جیم کری، مایک مایرز، سلین دیون، رایان گاسلینگ، ریچل مک آدامز، کیانو ریوز و دریک خواننده تا تری فاکس فداکار ... همه این افراد مشهور کانادایی هستند.

وقتی به نقشه کانادا، نگاه می‌کنیم، تازه متوجه می‌شویم که حدود ۹۰ درصد از خاک کانادا بدون سکنه است! شاید حتی خدا هم خودش از آنها، خبر ندارد! اگر بدانی که داشتن بوی بد، در کانادا جرم است! شاید دیگر فکر مهاجرت به سرت نزنند. در این سرزمین، خبری از فوتبال نیست، هاکی ورزش ملی کانادا است. احترام به محیط زیست و حیوان‌ها در کانادا نشان اصالت است و سگ آبی حیوان ملی کانادا است. امید به زندگی در کانادا زیاد، توقع‌ها کم و میانگین عمر ۸۱ سال است. گویی مردم این سرزمین با نوح نسبتی دارند.



شرق کانادا هم برای خودش دنیایی دارد. شهر مونترال بعد از پاریس، بزرگترین شهر فرانسوی زبان، در دنیا است. فاصله، یک حرف ساده نیست! فاصله تورنتو تا ونکوور، به اندازه فاصله تهران تا پاریس است! شاید مردم مونترال، مثل مردم پاریس نتوانند بوسه‌های فرانسوی به همدیگر بدهند، ولی تا دلتان بخواهد صداقت و لبخند در قلب برف و سرما به همدیگر هدیه می‌دهند. وقتی حرف از طولانی‌ترین بزرگراه و خیابان دنیا می‌شود (بزرگراه ترنس کانادا) و (خیابان یانگ) کانادا به خودش افتخار می‌کند که آن‌ها را به نام خود ثبت کرده است. ایرانی‌های زیادی در کانادا زندگی می‌کنند. از محله لانزدل ونکوور بگیر، تا محله ریچمون هیل تورنتو. وقتی می‌شنوی از هر شش نفر در تورنتو، یک نفر ایرانی است و از بیسکویت ساقه طلایی و پفک، تا قورمه سبزی و شعله زرد را، به راحتی در این شهر می‌شود پیدا کرد، تعجب نمی‌کنی که به تورنتو، تهران‌تو می‌گویند....

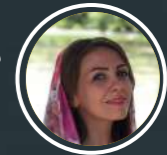
دوست دارم یک روزی یک بشقاب پرنده داشته باشم و شما مسافران آن بشقاب پرنده و من مهماندار شما باشم. به امید سرافراز بودن مردم سرزمینم در همه جای دنیا!

زمانی که وارد دومین کشور بزرگ دنیا می‌شوی و درختان سر به فلک کشیده‌ی افرا را می‌نگری، تازه می‌فهمی، طبیعت کارت پستالی یعنی چه! تازه درک می‌کنی، زندگی سالم و هوای پاک، چقدر لذت بخش است! تازه می‌فهمی کار کردن و مالیات دادن، چه حالی دارد و بغض و دلتنگی مهاجر، چه حسی!  
اگر بخواهم کشور کانادا را، در چند پاراگراف توصیف کنم، اینطور باید شروع کنم که:

# موزه ای به نام پاریس

## عروس شهرهای جهان

بهاره شیرانی  
سفرنامه



« سفر به کشور زیبای فرانسه، درقاره سبز و دیدار پاریس، شهر عشاق، آرزوی دیرینه‌ام بود. دیدار از برج ایفل، طاق پیروزی، کلیسای نتردام، موزه لوور و قدم زدن در خیابان شانزه لیزه بخشی از این سفر فراموش نشدنی بود. ما برای این سفر، گزینه تور را انتخاب نکردیم و به غیر از پروسه سفارت و اخذ ویزا که برای پایین آوردن ریسک ریجکتی از آژانس معتبر کمک گرفتیم، مابقی برنامه سفر را خودمان و با توجه به علایق شخصی مان تنظیم کردیم.

در مسیر پرواز از مبدا ترکیه و سپس آسمان کشورهای بلغارستان، رومانی، صربستان، اتریش، کرواسی، آلمان و لوکزامبورگ گذر کردیم. آن زمان بود که فهمیدم لقب قاره سبز به راستی برازنده آن است. در همان ساعت آغازین سفر، زمانی که در فرودگاه استانبول، قصد سوار شدن به هواپیما را داشتیم، مامورین کنترل گذرنامه، به محض دیدن نام کشورمان بر روی جلد پاسپورت‌ها، بدون هیچ دلیلی از سوار شدن، منعمان کردند! با آنکه یقین داشتیم، مشکلی نیست ولی به رغم این که تنها ایرانیان داخل هواپیما بودیم، احساس شرم می‌کردم، مبدا سایر مسافرین، ما را به دید دیگری بنگراند. همسفران را راهی کردند و سپس مشغول کنترل صحت مدارک و ویزای ما شدند. پس از حصول اطمینان،

ما را به سمت داخل هواپیما، هدایت کردند. این نخستین چالش هر چند کوتاه و گذرا ولی بزرگ و تلخ ما، در این سفر بود. هواپیما در فرودگاه شارل دوگل به زمین نشست، آنقدر این شهر از آسمان زیبا بود که برای دیدارش سر از پانمی‌شناختم، هوا سرد و بارانی بود. چمدان‌ها را تحویل گرفتیم، هرچه صبر کردیم، خبری از کالسکه دلبندم نبود. تمامی مسافران ساک‌هایشان را برداشتند و تسمه از حرکت ایستاد. هنوز هم کالسکه‌ای در کار نبود. دلهره تمام وجودم را فرا گرفته بود. یقیناً با مشکل پیش آمده سفر سختی پیش روی داشتم و این دومین چالشی بود که از همان ابتدای راه با آن مواجه شدم.

با دلی پراشوب به سمت یکی از کارمندان فرودگاه رفتیم و درخواست کمک کردم. از طریق بیسیم با مسئول پروازی ما چند کلمه‌ای رد و بدل کرد و رفت! بعد از حدود یک ربع همراه با کالسکه از دور به ما نزدیک شد. در آن لحظه از شوق سر از پا نمی‌شناختم. خوشحال و خندان از او تشکر کرده و به سمت مرکز فروش کارت مترو روانه شدیم. هر کارت را با نرخ بیست و پنج یورو تهیه و سپس فرودگاه را به مقصد هتل ترک کردیم. قبل از سفر درباره تعصب ملت فرانسه بر زبانشان بسیار شنیده بودم. اینکه مردمانی خشک و متعصب هستند و علی‌رغم داشتن دانش زبان انگلیسی، سعی بر صحبت به آن ندارند. ولی از همان بدو ورود، متوجه شدم که شاید در این زمینه کمی اغراق شده باشد، چرا که به هرنحوی بود تلاش بر کمک داشتند، چهره پیرمرد مسافر شیک پوشی که با خوشرویی به سمت من آمد و برای کمک در حمل چمدان‌ها از پله‌های فرودگاه، با لبخند کسب اجازه کرد، هرگز از ذهنم پاک نخواهد شد و یا جوان تنومند رنگین پوستی که با اصرار خود، به من در حمل کالسکه یاری داد.

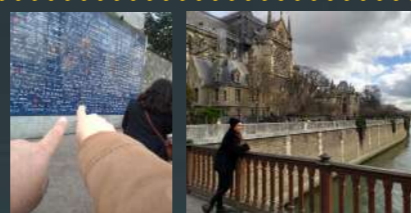
در مسیر به سمت هتل محل اقامت‌مان از پنجره مترو، با شوقی مضاعف بیرون را نظاره می‌کردم. این اولین لحظات دیدار من با پاریس زیبا بود. دچار پارادوکس فکری عجیبی بودم و مشتاق که با چشمان خود بینم. آیا اینجا همان شهر عشاق و رویایی فیلم‌ها است، یا شهر بی‌خانمان‌ها و پناهجویانی که از گوشه کنارش، بوی ادرار به مشام می‌رسد؟ آیا اینجا همان شهری بود که در فیلم نیمه شب در پاریس و امیلی دیده بودم، یا شهری که دیگر دوستان در سفرنوشت‌هایشان از کیفی‌اش یاد کرده بودند؟

به هتل محل اقامت‌مان جایی در محله (vaugirard) و با فاصله نه چندان دور تا برج ایفل رسیدیم. برخلاف بیشتر هتل‌هایی که در سفرهای پیشین رفته بودیم، بدون اتلاف زمان و پس از پرداخت مبلغ اندکی در هتل که از لزوم آن بی‌خبر بودیم و گویا بابت مالیات چند شب اقامت‌مان در شهر پاریس بود، کارت اتاق را دریافت کردیم.



به محض ورود به اتاق، چمدان‌ها را گذاشتیم، آبی به دست و رویمان زدیم و از آنجا که تمایلی به از دست دادن حتی ساعتی در این شهر را نداشتیم، بی‌درنگ راهی شدیم. مشتاقانه منتظر رسیدن به محله مونته مارتره بودم تا در کوچه پس کوچه‌های با صفایش قدم بزنم و یک قهوه داغ نوش جان کنم. لذت فراوان و توصیف نشدنی دارد، راه رفتن در مکانی که روزگاری خانه هنرمندانی چون سالوادور دالی، مونه، پیکاسو و ونگوگ بوده است. محله‌ای که، بام پاریس محسوب می‌شود و هر بیننده‌ای را جذب خودش می‌کند. بازدید از کلیسای زیبای سوکره کور، کافه‌ها و رستوران‌ها و صدای موسیقی خیابانی، من را غرق دلزدگی کرده بود. قدم زنان به سمت میدان تتر حرکت کردیم، میدانی کوچک در قلب محله مونته مارتره که روح هنری هنرمندان قدیم و جدید در آن موج می‌زند. میدانی که هنرمندان بزرگ امروز، مثل پیکاسو و ونگوگ روزگاری اولین آثارشان را در آنجا خلق و به فروش گذاشتند.

به راستی با هر قدمی که برمی‌داشتیم، بیشتر شیفته این شهر می‌شدم و الحق که بی‌جهت نام شهر عشق را یدک نمی‌کشد. پل عشاق با لباسی سنگین از قفل‌های آهنین رنگارنگ که نام هزاران لیلی و مجنون را در خود دارد، مرا مجذوب خودش کرد. به زوج‌های عاشقی فکر می‌کردم که روزی با هزاران امید و آرزو، این قفل‌ها را به یادگار از مهرشان اینجا نصب کردند. اما امروز، چند تن از آنها به وصال رسیدند؟ و یا چند چشم، گریان از فراق یارشان شب‌ها را صبح کرده‌اند؟ مشغول کلنجار با افکارم در حال قدم زدن بودم که چشمم به پارک کوچکی افتاد. می‌دانستم دیوار معروف «دوستت دارم»، همین جا است. دیواری که واژه عشق و مفهوم دوستت دارم را، به سبب زبان دنیا در دل کاشی‌های آبی رنگش جای داده، تا ثابت کند دیوار تنها برای ایجاد فاصله‌ها نیست.



مسیر را از کوچه‌های سنگفرش شده زیبای مونته مارتره به سمت کاباره معروف مولن روژ ادامه دادیم. سالن قدیمی پاریس با آسیاب قرمز رنگش، که میزبانی هنرمندان بزرگی همچون الویس پریسلی و فرانک سیناترا را در کارنامه هنری‌اش دارد. هوا کم‌کم تاریک شد

و چراغ‌های شب نمایان، در بالای تپه، جایی مشرف به کل شهر، برج ایفل از دور برایم دلبری می‌کرد. بی‌تردید مقصد بعدی در شب اول، دیدارش بود. شوق بازدیدش مرا وادار به خداحافظی از محله هنرمندان و به سوی ایستگاه متروی بیرحکیم روانه کرد.

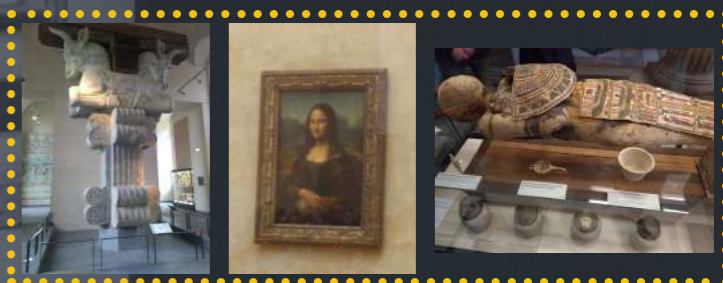
به ایفل رسیدیم، ایفل معروف، برج آهنین زنده در قلب پاریس، بانوی زیبایی، (در زبان فرانسوی برج ایفل مونث است) که با لباس نورانی‌اش در دل شب‌های پاریس محکم و استوار ایستاده و میلیون‌ها انسان را، شیفته عظمت و زیبایی خودش کرده است. اعتراف می‌کنم، بسیار زیباتر و پر عظمت تر از عکس‌هایش بود. بعد از اینکه حسایی قد و



بالایش را برانداز کردم خودم را راضی نمودم برای شب اول، تعداد سی و شش عدد عکس یادگاری با خانم ایفل کفایت می‌کند و زمان بازگشت به هتل رسیده که نیمه شب است و بیشتر از بیست و چهار ساعت که خوابیدیم.

در روز دوم، با یاری خط گسترده و نسبتاً قدیمی متروی این شهر، نخستین مقصدمان میدان معروف کنکور بود. تردد با شبکه قطار کهنه در پاریس و نبودن آسانسور یا پله برقی، و رای سهل و سریع بودنش به نوبه خود چالش بزرگی محسوب می‌شد. برای هر بار پایین و بالا رفتن بایستی حدود یکصد پله را همراه با حمل کالسکه، طی می‌کردیم و این امر در روز شاید شش بار، بلکه بیشتر تکرار می‌شد. داستان مترو سواری، به همین جا ختم نمی‌شود، خاطر هست همان روز، زمانی که به ایستگاه مقصد رسیدیم جلوی در منتظر بودم، تا باز شود ولی هر چه تامل کردم باز نشد و قطار شروع به حرکت کرد. تازه متوجه شدیم درهای خط قدیم این شهر، اتوماتیک نیستند و باید دستگیره‌ای که بی شباهت به زیان‌های قدیم نبود را به سمت بالا هدایت می‌کردیم، تا باز شود. کوتاه آنکه، با هر مشقتی بود خود را به میدان کنکور رساندیم. کمی اطرافش قدم زدیم و سپس مسیر را با عبور از باغ‌های توپلری (باغ‌های قدیمی سلطنتی) و رسیدن به موزه بزرگ لوور، ادامه دادیم.

صف، نسبتا طولانی بود و هوا بسیار سرد. از دور با دیدن جمعیت گفتم، بی‌شک باید یک ساعتی را در فضای باز منتظر باشیم تا نوبت ورودمان شود و همسفر کوچولوی ما در این هوا و با حجم زیاد لباسی که به لطف نگرانی‌های مادر برتن دارد، قطعا بی‌تاب خواهد شد. هنوز دقیقه‌ای از عمر این فکر نگذشته بود که متوجه اشاره‌های آقایی به خودم شدم که از پوشش‌اش نمایان بود، مسئول کنترل ورودی است. از دور اشاره می‌کرد که به سمتش برویم، باورم نمی‌شد، صف را پشت سر گذاشته و بدون معطلی از در اصلی داخل هرم، وارد شدیم و جناب موسیو با خوشرویی ما را به سمت آسانسور هدایت کرد. آنجا بود که متوجه شدم این بار، بخت با ما یار بوده و به لطف پسرکم، با توجه به سردی هوا، این مهر را از سوی دوست فرانسوی‌مان، دریافت کردیم. به رسم ایرانی بودن‌مان ده‌ها بار تشکر کرده و شادمان که در وقت‌مان هم صرفه جویی قابل ملاحظه‌ای شده به سمت باجه بلیط رفتیم و دو عدد بلیط، به ارزش هر کدام پانزده یورو تهیه کردیم.



موزه به حدی بزرگ و گیج کننده بود که امکان نداشت در یک روز بتوانیم تمام قسمت‌ها و آثار را ببینیم. بنابراین با کمک نقشه به سمت قسمت‌های موردعلاقه‌مان، حرکت کردیم. دیدن بخش مصر باستان، یونان و رم باستان، بین‌النهرین، همچنین نقاشی‌ها و آثار معروف هنرمندانی چون داونچی، میکل آنژ و به خصوص ملاقات با خانم مونالیزا، بسیار جذاب و شگفت‌انگیز بود و صد البته که دیدن بخش ایران حس غروری را همراه با غم، در وجودمان برانگیخت. چراکه آنها باید در سرزمین خودشان، به بهترین نحوه نگهداری می‌شدند، اما حیف و صد حیف... برای من که شیفته تاریخ و آثار باستانی هستم، بازدید از لوور سفری لذت بخش در زمان محسوب می‌شد و آن‌قدر محسوس زیبایی‌هایش گشتم که متوجه گذر زمان نشدم. تا جایی که شکم گرسنه‌ام یادآوری کرد، ساعت چهار بعدازظهر است. پس از صرف ناهار مختصری در قسمت غذا خوری موزه، بازدید را برای ساعتی دیگر ادامه دادیم، نزدیک به غروب بود که با هزار ترفند خودم را راضی به دل‌کندن از موزه کردم و برای استراحت کوتاهی به هتل بازگشتیم.

از کودکی یاد دارم هر زمان جایی آرام قدم می‌زدم، خطاب به من می‌گفتند «مگه داری توشانزه لیزه قدم می‌زنی؟» حالا اما من، واقعا در حال قدم زدن در شانزه لیزه بودم! خیابانی عریض و نسبتا بلند که یکی از گران‌ترین خیابان‌های دنیا است. درمسیر شیرینی فروشی معروف پیرهمون (که شیرینی و

نان‌های کاخ الیزه را تامین می‌کند). کاباره لیدو و پل معروف و چشم نواز الکساندر سوم را دیدیم. درست روبروی پل، در آن سوی رود سن، گنبد کشیده، طلایی رنگ و نورانی دوران باروک، آرامگاه ابدی بزرگ مرد فرانسه؛ ناپلئون بناپارت، خود نمایی می‌کرد. در منتهالیه خیابان شانزه لیزه، درست در میانه میدان شارل دوگل به طاق پیروزی، که زیبایی‌اش بی‌حد و وصف است رسیدیم. طاقی به یادگار از دوران ناپلئون و با رسالت زنده نگه داشتن نام شهدای جنگ‌های آن دوران فرانسه. صدای موسیقی هنرمندان خیابانی که از گوشه و کنار اینجا هم به گوش می‌رسید. جوانی رعنا، از مهاجران آفریقایی تبار را دیدم که در کنار دوستش با صدای رسا آوازی سر داده بودند. اما ساعات سفر به سرعت برق و باد در گذر بودند. یک روز دیگر هم گذشت.

روز بعد بازدید از نتردام را در اولویت برنامه‌مان داشتیم، کلیسایی بسیار بزرگ در جزیره‌ای کوچک میانه شهر پاریس با نام سبته و در جوار رود سن، به جرات یکی از زیباترین کلیساهای جهان و یادآور داستان گوژپشت نتردام، اثر ویکتور هوگو. کلیسایی با شکوه که متأسفانه تنها یک ماه بعد در میان شعله‌های سنگین آتش، از بین رفت.



در اولین دیدار، نگاهم به سمت مجسمه‌های عجیب سردر ورودی و سپس به نقطه‌ای کوچک میان سنگ فرش‌های جلوی کلیسا بر روی زمین کشیده شد، جایی که نقطه صفر شهر پاریس است. به محض ورود به داخل کلیسا، با دیدن زیبایی و ابهت ستون‌های سر به آسمان کشیده‌اش، بوی عطر صدها شمع که در وجب به وجب این قصر کلیسایی روشن بودند و شنیدن نوای آهنگین موسیقی مقدسش که طنین انداز فضا شده بود مو به تنم سیخ شد. بی‌جهت نبود که ویکتور هوگو با الهام از اینجا، چنین شاهکار جهانی را خلق کرده بود.

تنها در چند قدمی نتردام، کلیسای بسیار دیدنی دیگری به نام سنت شاپل، با معماری گوتیکش خودنمایی می‌کند. کلیسایی کمتر شناخته شده، البته برای ما ایرانیان که بی‌شک فرصت دیدنش را از دست ندادیم. سنت شاپل که مانند همسایه‌اش نتردام هر چه از شکوه و زیبایی‌اش بگویم، کم گفتم. کلیسایی رنگین و دو طبقه است که به لحاظ قدمت، کهن‌ترین شیشه‌های رنگی در فرانسه را دارد و از این جهت، بسیار مورد توجه و ارزشمند است.

در بدو ورود به سالن طبقه اول و نظاره سقف کوتاه و رنگین زیبایش چنان به وجد آمدم و شروع به تعریفش کردم که بانویی هموطن، متوجه حضور ما شد. به سمتم آمد و پس از اندکی حال و احوال پرسی، گفت در مدت یکسالی که اینجا خدمت رسانی می‌کند، به ندرت بازدیدکننده‌های ایرانی را دیده و به همین لحاظ از دیدن ما بسیار شادمان بود.

مگر می‌شود به پاریس رفت و معبد پانتئون را ندید؟

پس از خداحافظی با سنت شاپل، تصمیم به کمی پیاده روی زیر نم باران در خیابان‌های زیبای پاریس به سمت معبد پانتئون در محله لاتین را گرفتیم. از طرفی معماری تماشایی‌اش واز سوی دیگر مقبره زیرزمینی‌اش که آرامگاه افراد مشهوری چون ویکتور هوگو، امیل زولا، ماری کوری، الکساندر دوما ... است، ما را بر آن داشت که بازدیدش را در برنامه سفرمان، قرار دهیم. به محض ورود به این بنای با شکوه، شیفته عظمت و ظرافت معماری تماما سفید رنگ‌اش شدم. محیطی آرام و خلوت با ستون‌های

سر به فلک کشیده و تندیس‌هایی از هنرمندان بزرگ آن مرز و بوم، داخل معبد آونگی شست و هفت متری درست در زیر گنبد اصلی آویزان است که با حرکت دوار، نحوه چرخش کره زمین را نشان می‌دهد.



لذت سفر را با قدم زدن در پارک بزرگ لوگزامبورگ، در نزدیکی معبد، کمی استراحت و دیدن کاخ لوگزامبورگ که در حال حاضر مجلس سنا فرانسه است، ادامه دادیم. تا به این لحظه از سفر طبق روال برنامه‌ای که برای خودم ریخته بودم پیش می‌رفت و الحق که همسفر کوچکمان به خوبی یاری کرده بود، اما خوب همیشه هم چنین نیست. دیدار از گورستان زیرزمینی جذاب این شهر از آرزوهای پیش از سفرم بود. دخمه‌ای که استخوان‌های هزاران مرده را در خود به امانت دارد، مقصد بعدی ما بود. لیکن از طرفی پسرکم، طاقتش طاق شده بود و از سوی دیگر، نگران بودیم مبادا حضور در آن دخمه در میان هزاران اسکلت وی را هراسان کند، نهایت به ناچار مجبور به حذف آن از برنامه سفرمان شدیم و آرزوی بازدیدش به دلمان ماند.

هوا کم‌کم تاریک می‌شد، به راستی خیلی خسته بودیم لیکن دلم می‌خواست تا صبح بیدار باشم و حتی لحظه‌ای را در این شهر به خواب سپری نکنم. دوباره به سمت شانزه لیزه رفتیم و باز لذت قدم زدن در آن و اندکی گشت و گذار در فروشگاه‌هایش را تجربه کردیم. بی‌اختیار مسیر را به سوی طاق پیروزی، در انتهای شانزه لیزه ادامه دادیم و حدود نیم ساعتی محو تماشایش بودیم. گرچه من خیلی خسته و خواب‌آلود بودم، ولی شهر زنده و بیدار بود. کافه‌ها و رستوران‌های شانزه لیزه پر بود از جوان‌ها

و مسن‌ترهای فرانسوی که مشغول گپ زدن و آرام خوردن غذایشان بودند.

نیمه شب شده بود و دیگر پاهایم یارای ادامه دادن نداشت. به هتل برگشتیم تا بخوابیم و فردا آماده به رکاب و با انرژی روز پر از هیجان را



در دیزنی لند سرزمین تحقق رویاهای کودکی آغاز کنیم. (در مورد دیزنی لند در سفرنامه جداگانه‌ای مفصل خواهیم نوشت)

روز آخر برای وداع با ایفل زیبا رفتیم، در اندک زمان باقی، کمی یادگاری خریداری کرده و پس از صرف ناهار، راهی فرودگاه شدیم. سفر ما مصادف بود با اعتراضات افراد موسوم به جلیقه زردها که تا به آن لحظه به چشم خودمان ندیده بودیمشان و تنها وصفشان را شنیده بودیم که به لطف حضور و تظاهرات مسالمت آمیزشان در سالن‌های فرودگاه در واپسین ساعات حضورمان در این شهر بازدیدمان تکمیل شد.

به واقع، پاریس موزه‌ای بزرگ بود که نام شهر را یدک می‌کشد و در فرصت محدود، حتی اگر هیچ شبی هم به استراحت و خواب نمی‌گذرانیدیم، دیدن تمامش میسر نبود. کاخ ورسای، موزه اورسی، خانه ویکتور هوگو، مرکز خرید لافایت، خانه اپرای گارنیه، دخمه مردگان و صد البته گورستان پرلاشز، خانه ابدی صادق هدایت از جمله جاهایی بود که حسرت دیدارش تا سفر آتی، بر دلمان ماند.

هوایما از زمین بلند شد و بر فراز آسمان شهر به پرواز در آمد. غم سنگینی بردلم نشست، به راستی که عمرسفر، کوتاه است و اکنون زمان وداع با پاریس رویایی رسیده بود. من ماندم با خاطرات و تجربیاتی بسیار از شهرعشاق، پاریس زیبا، عروس شهرهای جهان، که امروز جز خاطره‌ای شیرین، چند عکس و یادگاری، چیزی برایم نمانده است.



## خیریه لبخند ایتام

شدم من حامی لبخند ایتام،  
تو ام ای دوست از حامیان باش



آدرس شعبه جهت مراجعه حضوری

تهران / منطقه ۱۷ / میدان ابوذر (فلاح سابق) / بیست  
متری ابوذر / روبه روی ۱۴ متری باقری (سالم) / جنب  
داروخانه / پلاک ۷۹۵ / خیریه لبخند ایتام

شماره کارت جهت واریز:

۵۸۹۲۱۰۱۲۱۱۸۷۸۸۸۵



شماره ثبت: ۴۲۹۲۷

# کار در سفر

## درآمدزایی در حین سفر

با همکاری مجله اینترنتی  
سفر نویسان

بدون نیاز به  
سرمایه و آموزش  
با صرف کمترین  
زمان در حین  
سفر

درآمد  
میانگین  
۵ میلیون  
به بالا

در صورت تمایل به همکاری و کسب اطلاعات  
بیشتر با ما، به دایرکت اینستاگرام و یا با  
شماره زیر در واتساپ تماس حاصل  
فرمایید.

۰۹۱۲۸۳۳۶۶۹۷

در همین راستا، مجله سفر نویسان با  
روش جذب آگهی به شیوه های زیر از  
همه علاقه مندان دعوت به همکاری می  
نماید.

۱. در حین سفر ۲. در شبکه های اجتماعی



# برزیل

## میزبان دختر پارسی



سحر مویدزاده  
سفرنامه

« برزیل، کشوری پهناور، با تنوع زیستی و آب و هوایی، موسیقی منحصر به فرد و گوناگونی نژادی، نظر گردشگران بسیاری را از سراسر جهان به خود جلب می‌کند. وسعت این کشور، به حدی است که برای گشت و گذار در کشور فوتبال، حداقل به هشت ماه زمان نیاز است. سحر مویدزاده؛ دختری که ۸ سال به تنهایی سفر می‌کند، ۵۷۰۰ کیلومتر در برزیل مسافت طی کرد و با روستاگردی، طبیعت‌گردی و همنشینی با مردم محلی، شناخت بهتر و بیشتری از آداب و رسوم، سنت‌ها و نحوه زندگی آن‌ها پیدا کرد. در ادامه بخشی از تجربه سفر او را از روستایی در برزیل می‌خوانیم.

سفر من به برزیل، به صورت انفرادی بود و سه ماه به درازا کشید. سفرهای من همیشه بدون برنامه‌ریزی است و فقط ابتدا و انتهای سفر را به دلیل ساعت پرواز و مکان سفر می‌دانم. تنها از یک روز قبل، برنامه‌ریزی می‌کنم که برای روز بعد به کجا بروم. سفر برزیل را از ریودوژانیرو شروع کردم، به سمت بلهوریزونته رفتم. از نوار ساحلی به سمت سائوپائولو و از آنجا به سمت جنوب غربی رفتم تا آبشار معروف و فوق‌العاده زیبایی فوزدیگزو را که با سه کشور برزیل، آرژانتین و پاراگوئه هم مرز است، را ببینم. در ادامه از آبشار فوزدیگزو به سمت سائوپائولو و از آنجا با خط ساحلی به سمت ریودوژانیرو آمدم. بعد از آن، فاصله ۵۲۷ کیلومتری از بلهوریزونته تا ویتوریا را، به چهار قسمت تقسیم کردم، تا بتوانم شهرها و جاذبه‌های آن را ببینم. در میانه راه، در شهر کوچکی ناهار خوردم و بعد از ناهار وقتی که آبمیوه سفارش دادم، صحبت از آبشار بسیار زیبایی، توجه مرا به خودش جلب کرد. در برزیل کمتر کسی را می‌توان پیدا کرد که انگلیسی بلد باشد. به این دلیل، از نرم‌افزار استفاده کردم تا انگلیسی را به پرتغالی ترجمه کنم. درباره آبشار پرسیدم. گفتند این آبشار در شش کیلومتری اینجا است. بعد از شش کیلومتر در اتوبان به یک راه خاکی می‌رسید که در ادامه‌ی آن راه خاکی، آبشار قرار دارد. این شش کیلومتر را با استفاده از اتوبوس بین شهری رفتم و به جاده خاکی، که آدرسش را داده بودند، رسیدم. آنجا کافه‌ای را دیدم که دکوراسیون بسیار جذابی داشت. صدا زدم و کسی جواب نداد. وارد شدم و فهمیدم داخل آشپزخانه هستم. راهنمایی خواستم اما آن‌ها چون متوجه شدند من مشتری نیستم، استقبال نکردند. صاحب کافه خانومی بود به نام فابیا که در جواب سؤال من بسیار سرد گفت که می‌توانی همین راه خاکی را ادامه بدهی، اما خیلی طولانی است و اگر بخواهی پیاده بروی حدود سه یا چهار ساعت زمان می‌برد تا به آبشار برسی. درباره هزینه اقامت در آن کافه پرسیدم. به من گفت باید پولی معادل صد و بیست هزار تومان بپردازی. من یک فنجان قهوه سفارش دادم و به صاحب کافه گفتم که چه کافه جالبی دارید. این جمله من باعث شد باب دوستی بین ما باز شود. همه صحبت بین ما با نرم‌افزار گوگل ترنسلیت نوشته و ترجمه می‌شد. فابیا که سی و شش سال داشت، گفت که از بچگی آرزو داشت که چنین کافه‌ای داشته باشد و سه سال پیش این کافه را با همکاری شوهر و مادرش تأسیس کرد؛ تمام دکور کافه، نقاشی‌های دیوار، عروسک‌ها، چراغ‌ها و لوسترها، روی مبل‌ها و حتی فرشی که پهن کرده بود کار خودش بود. البته او از والتیر هم استفاده کرده بود. والتیر به توریست‌هایی گفته می‌شود با فراخوان عمومی در اینترنت در ازای جا و غذای رایگان، به کمک می‌آیند و کاری را انجام می‌دهند. ما نزدیک به سه ساعت با هم صحبت کردیم. وقتی خواستم به سمت آبشار بروم، فابیا گفت تو نمی‌توانی الان که ساعت شش عصر شده به جایی بروی، بهتر است همین جا به صورت رایگان بمانی. قبل از صحبت کردن به من گفت که باید هزینه بدهی، اما بعد از صحبتان گفت تو اصلاً لازم نیست هیچ پولی پرداخت کنی، چون از جای خیلی دوری به اسم ایران، پانزده هزار کیلومتر راه



تا اینجا آمده‌ای. آنچه که در آن لحظه در فکر می‌گذشت این بود که باید آبشار را ببینم. در سفرها به من اثبات شده بود که باید رو به جلو حرکت کنم، زیرا اتفاق‌های بیشتری منتظرم نشسته است. فابیا وقتی اصرار من برای رفتن به آبشار را دید، با دوست همسرش که رئیس هاستلی در روستای نوآوند بود، تماس گرفت تا به دنبال من بیاید. مردی حدوداً هفتاد ساله به نام مارتین به دنبال من آمد. هنگام خداحافظی فابیا از من خواست که در زمان برگشتن باز هم به دیدن او بروم. برنامه من این بود که صبح فردا این آبشار را ببینم و بعد به سمت کافه فابیا برگردم، ولی برنامه اقامت یک روز من در این روستا، به سه روز تبدیل شد. حضور در این روستا به من حس ورود به دنیای صد سال پیش و فیلم‌های وسترن را می‌داد. همه چیز کابویی بود. سبک لباس پوشیدن، گیتار زدن و آواز خواندن و حضور گاوها و اینکه به هر درخت یک اسب بسته شده بود. تعداد بازدیدکنندگان به قدری زیاد بود که علاوه بر اتاق‌های هاستل، در حیاط آنجا چادر زده بودند. من هم که چادر به همراه داشتم، در حیاط هاستل چادر زدم. صبح روز بعد و پس از صرف صبحانه‌ای مفصل، با یک تورلیدر به دیدن یک آبشار و چند باغ رفتم. وقتی به هاستل برگشتم مارتین به من گفت که آبشارهای دیگری هم وجود دارد. این طبیعت بکر از ویژگی‌های جذاب برزیل است. روز بعد متوجه مراسمی شدم که سالی یک بار برگزار می‌شود. ساعت شش صبح، مراسم با دعای خاصی در حالی که دست‌هایشان را به هم داده بودند و حلقه‌ای تشکیل شده بود، شروع شد. نزدیک به یک ساعت سخنرانی شد و حدود هفتصد کابوی سوار اسب و دو نفر سوار گاو شدند و به سمت پایین روستا رفتند. بعد از سه روز اقامت، وقتی خواستم برگردم، به مارتین گفتم من چقدر باید هزینه بپردازم؟ اما مارتین اصلاً

قبول نکرد. او گفت چون فابیا تأکید کرد که این خانم مهمان من است، پول نمی‌گیرد. در راه بازگشت مارتین مرا به خانه مادرش برد. آنجا از من با بستنی پذیرایی شد. از من می‌پرسیدند اهل کجا هستی؟ و من می‌گفتم ایران. نمی‌دانستند که ایران کجاست. می‌گفتم از اسپانیا که به سمت شرق بروید به ترکیه می‌رسید. ترکیه هم برایشان ناشناخته بود، اما استانبول ترکیه را می‌شناختند. درباره ایران سؤال‌های زیادی می‌پرسیدند اما متوجه پاسخ‌های من نمی‌شدند. به طوری که مجبور می‌شدم بگویم اهل ترکیه هستم! این مورد برای من در برزیل بسیار پیش آمد. حتی گاهی ایران را با عراق اشتباه می‌گرفتند. برایشان تنها سفر کردن من بسیار جذاب بود. برای این که از فرهنگ ایران بیشتر بدانند من را به ناهار مهمان می‌کردند تا از ایران بیشتر برایشان بگویم. اسم مرا هم سارا صدا می‌کردند. در راه بازگشت با مارتین به کافه فابیا رفتم. فابیا پیشنهاد کرد که شب را همانجا بمانم و کل کافه را در اختیار من قرار داد. فابیا صبح روز بعد با مقدار زیادی هدیه که صنایع دستی برای من بود، آمد. من هم علاوه بر دادن یادگاری‌هایی که از ایران به همراه داشتم، برایش با خط فارسی متنی را نوشتم. فابیا ترجمه انگلیسی به پرتغالی را در نرم‌افزار می‌دید و ترجمه پرتغالی کلمات را می‌نوشت. او نوشته من را در قاپی گذاشت و به دیوار آویخت. زمان خداحافظی به دلیل محبت‌های فابیا بغض کردم و فابیا هم احساساتی شد و گریست و دو دخترش هم مرا در آغوش کشیدند.

از آنجایی که کافه فابیا از جاده فاصله داشت، به یکی از بستگان گفت تا مرا به شهر بعدی که با کافه نزدیک به بیست کیلومتر فاصله داشت، برساند. این سفر باعث شد خاطرات بسیار زیبایی برای من از روستای کابویی، به یادگار بماند.



# داستان راه آهن

نرگس صفری  
گزارش



راه آهن سراسری ایران، عمری هشتاد ساله دارد که تا امروز مشغول به کار است. از زمان زمزمه‌های نخست لزوم شکل‌گیری راه‌های مواصلاتی، تا تصمیم و تصویب راه آهن سراسری در مجلس، در مراحل ساختش و حتی بعدتر در مرحله بهره‌برداری نیز فراز و فرودهای زیادی را تجربه کرده که راه آهن ایران را، تشخیصی خاص در تاریخ معاصر می‌بخشد.

علاوه بر آن راه آهن سراسری، شمال را از بندر ترکمن به جنوب ایران - بندر امام خمینی - متصل می‌کند که همین موضوع سبب شده تا طبیعت و آب و هوای متفاوتی را در هر بخش راه آهن شاهد باشیم. تفاوت اقلیمی در نقاط مختلف ایران به ویژه مسیرهایی که راه آهن از آن عبور می‌کند از دیگر مواردی است که با تصویر و کاربرد راه آهن ایران، گره خورده است.

مورد دیگر در راه آهن، عدم شناخت عموم از شکل‌گیری آن و سیستم یکپارچه‌ای است که آن را مدیریت می‌کند. برای عموم مردم مفهوم راه آهن به قطار خلاصه می‌شود. در صورتی که قطار، تنها همچون عقربه‌های ساعت، نمود بیرونی از سیستم یکپارچه‌ای است که در پس پرده، مسئولیت هماهنگی و برنامه‌ریزی آن را بر عهده دارد. سیستمی که پیچیدگی طراحی و ساخت آن کمی از نظرها دور مانده است.

همه اینها دلایلی شد تا گروه ریلرو با طرحی از آقای محسنیان، در صدد شناخت بیشتر موضوع راه آهن برآمده و تلاش کند تا آن را به دیگران نیز معرفی کند.

## «جاذبه‌های طبیعی»

راه آهن ایران، از بکرترین و جذابترین بخش‌های ایران عبور

می‌کند. در شمال و جنوب از میان کوهستان‌های البرز و زاگرس گذر کرده و در بخش‌های میانی از دل دشتهای و کویر. تماشای طبیعت ایران با قطار فرصتی ایده آل برای طبیعت‌گردان و تجربه‌ای فراموش‌نشدنی برای گردشگران است.

در بسیاری موارد، خصوصا در بخش‌هایی از مسیر کوهستانی که هیچ راه دسترسی، جز قطار، وجود ندارد، فرصتی حاصل شده تا طبیعت در کنار ریل‌ها در هماهنگی و هارمونی تمام، به زیبایی جلوه کند.

## «جاذبه‌های فنی»

در هنگام ساخت راه آهن سراسری، راه‌های دسترسی چندانی وجود نداشت تا به کمک آن تجهیزات و خدمات مورد نیاز ساخت راه آهن جا به جا شود، از این رو این پروژه فوق‌العاده‌ی بین‌المللی، نه فقط در بخش سازه‌های راه آهن، شاهکار به حساب می‌آید، بلکه در ایجاد و ساخت راه‌های دسترسی در همان ابتدای شروع پروژه، نیز بسیار قابل توجه است. از یک طرف راه‌های باریک و بلندکننده شده در دل کوه‌ها به عنوان راه‌های دسترسی و از طرفی کمپ‌های کارگری کارکنان و کارگران راه آهن که عموماً در اطراف همین راه‌ها، شکل گرفته‌اند و هنوز آثاری از آن قابل مشاهده است.

مورد دیگر محدودیت در ابزار و مصالح ساخت راه آهن بود که مهندسان را مجبور به استفاده از مصالح محلی در ساختن پل‌ها نمود. به کارگیری ترکیبی از سنگ و بتن و دقت و ظرافت به کار رفته در اجرای آن، از مواردی است که نمی‌توان به راحتی از آن گذشت.

ساخت تونل‌های متعدد، در شمال و جنوب از دیگر موارد قابل توجه در راه آهن است. هرچه قدر که ساختن تونل‌ها در جنوب با مشکل و سختی حفر کوه‌های سنگی همراه بود، در شمال با سستی و رانش زمین مواجه بود که تقویت بدنه‌ها و طاق را، اجبار می‌کرد.

مسیر راه آهن خود از جمله موارد دیدنی در بخش فنی راه آهن است. محدودیت شیب مجاز در ساخت راه آهن که با بررسی‌ها و نهایتاً در جلسه‌ای با حضور مهندسان و رضا شاه، به عدد ۲۸ در

هزار رسید، موجب شد تا

در بخش‌های کوهستانی طول ریل گذاری‌ها گاهی به سه برابر طول جاده‌ای (کنونی) افزایش یابد. مسیرهایی که بارها و بارها دور می‌زنند و از زیر و روی کوه‌ها و جاده‌ها عبور می‌کردند و این‌ها برای مسافرانی که در قطار نشسته‌اند چندان قابل لمس نیست. از همین رو شناخت راه آهن و جاذبه‌های آن نیاز به دیدی از بالا هم دارد.

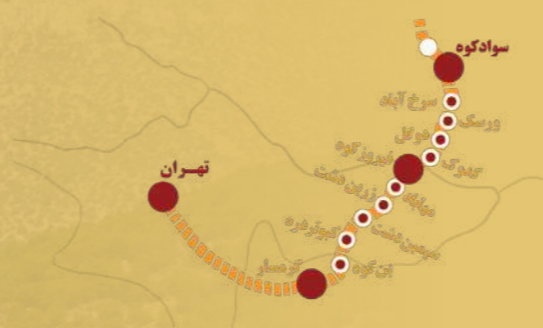


محمد محسنیان، مدیرعامل شرکت ریلرو



## « مسیر و خدمات

از آنجایی که مسیر کوهستانی شمال، یکی از جذابترین بخش‌های راه آهن ایران است، پتانسیل این راه را دارد که محور اصلی یک روز گردشگری قرار بگیرد. برنامه قطار گردشگری سواد کوه از ایستگاه راه آهن تهران آغاز می‌شود، لذا ویژگی‌های طبیعی و صنعتی ورامین و گرمسار و بافت متفاوت هر کدام از این مناطق، بر جذابیت برنامه افزوده است.



مسیر حرکت: تهران- ری- بهرام- ورامین- پیشوا- ابردژ- کویر- گرمسار- بن کوه- کبوتر دره- سیمین دشت- زرین دشت- مهباد- فیروز کوه- گدوک- شوراب- دوگل- ورسک- سرخ آباد- دوآب

برنامه، شامل توقف‌هایی خارج از ایستگاه‌های معمول راه آهن شمال است. به این معنی که قطار ریلرو در ایستگاه‌های گردشگری توقف دارد. برخی از این ایستگاه‌ها، البته با ایستگاه‌های خود راه آهن نیز منطبق است. قطارهای مسافری این مسیر شب رو هستند، و در نیمه‌های شب از ایستگاه‌های بخش کوهستانی عبور می‌کنند، از همین رو قطار ریلرو علاوه بر تعریف ایستگاه‌های گردشگری، این امکان را هم به گردشگران می‌دهد تا ایستگاه‌های معمول مسافری را در طول روز و با صبر و حوصله بیشتری تماشا کنند.

نیم ساعت بعد از سوار شدن به قطار در حالی که دشت‌های حاصلخیز ورامین، از پس پنجره‌های بزرگ قطار پیداست، از گردشگران با صبحانه‌ای که از قبل مهیا شده، پذیرایی می‌شود. وعده نهار و میان وعده‌های صبح نیز در قطار سرو می‌شوند. در راه برگشت، تماشای دوباره مناظر، این بار در آفتابی که سرخ و رو به غروب است، لذتی مضاعف دارد. برنامه عصرانه، در یکی از ایستگاه‌های کوچک بین راه چیده می‌شود و گردشگران در فضای سبز کنار ایستگاه، پذیرایی می‌شوند. معمولاً باغدارانی که از حضور قطار گردشگری در این ساعت مطلع هستند، سبدهای میوه‌شان را به کنار ایستگاه برای فروش می‌آورند و با استقبال خوب گردشگران مواجه می‌شوند. طبیعت مسیر راه آهن شمال، از تهران تا سواد کوه، بسیار متنوع است. در حرکت با قطار علاوه بر رنگ به رنگ شدن طبیعت، از دشت ورامین به کویر گرمسار، سپس به باغ‌های سرسبز سیمین دشت و در ادامه، بافت کوهستانی رشته کوه‌های البرز، می‌توان آثاری به جا مانده از کارخانجات متروکه و یا ساختمان‌های قدیمی را نیز مشاهده کرد.

## « جاذبه‌های تاریخی

هر موضوع قدیمی با شناختن داستان و تاریخ آن، اهمیت پیدا می‌کند. برای دیدن و تماشای راه آهن نیاز به عینکی هشتاد ساله است تا شرایط و وضعیت زمانی که احداث راه آهن تصویب و به اجرا درآمد را آشکار کند. حضور کشورهایی همچون روسیه و انگلیس که گاه‌گاه تأثیراتی مستقیم در تصمیم‌گیری‌های کشوری داشتند. محدودیت منابع مالی برای ساخت راه آهن و نبودن راه‌های مواصلاتی مناسب برای انتقال تجهیزات، موافقان و مخالفان طرح احداث راه آهن در مجلس و از همه مهمتر نقشی که راه آهن ایران در جنگ جهانی دوم ایفا کرد، همگی از مواردی است که راه آهن را به لحاظ تاریخی، حائز اهمیت کرده است. نگاه به راه آهن، نگاه به تاریخ ایران است. جدای از داستان‌ها و افسانه‌های زیادی که سینه به سینه از زمان ساخت آن تا به امروز نقل شده است، آنچه به شکل مکتوب و مستند باقی مانده حاکی از چالش‌ها و پیچ و خم‌های فراوانی است که موضوع راه آهن تا به امروز طی کرده است.

نگاه به راه آهن، نگاه به تاریخ ایران است. جدای از داستان‌ها و افسانه‌های زیادی که سینه به سینه از زمان ساخت آن تا به امروز نقل شده است، اما آنچه به شکل مکتوب و مستند باقی مانده حاکی از چالش‌ها و پیچ و خم‌های فراوانی است که موضوع راه آهن تا به امروز، طی کرده است.

## « قطار گردشگری

عنوان قطار گردشگری، عنوانی شناخته شده در بین انواع خدمات گردشگری جهان است. در واقع شکل ساده آن استفاده از قطار برای هدفی غیر از کاربردهای معمول حمل و نقل بار و مسافر، و با هدف برنامه گردشگری است. این قطارها می‌تواند از انواع قطارهای ساده و قدیمی با گشت‌های چند ساعته تا قطارهای مدرن و لوکس برای گشت‌های برون مرزی متفاوت باشد. در ایران تا چند سال قبل نمیشد سراغی از تنوع قطارهای گردشگری با رویکرد درست آن گرفت. خوشبختانه این روزها با توجه مجموعه راه آهن به این موضوع، و علاقه‌مندی شرکت‌های خصوصی، آینده بهتری را برای این موضوع میتوان متصور شد.

## « در قطار گردشگری ریلرو چه میگذرد؟

همراهی با قطار ریلرو، فرصتی برای لمس و تجربه تاریخ راه آهن ایران است. در حالی که قطارهای گردشگری می‌توانند موضوعات متعددی از قبیل فرهنگ، موسیقی، غذا و یا بازدید از مکانی خاص را مورد توجه قرار دهند، قطار ریلرو، کشف جذابیت‌های راه آهن سراسری ایران را موضوع اصلی گردشگری بیان می‌کند. به این شکل که گردشگران سوار بر قطار اختصاصی تاریخ راه آهن را در قالب داستان‌هایی به نقل از کتب و روایات معروف می‌شنوند و در ایستگاه‌های گردشگری که لزوماً همان ایستگاه‌های معمول راه آهن نیست، از قطار پیاده می‌شوند تا مستندات تاریخی و مناظر طبیعی و سازه‌های آن را از نزدیک بازدید کنند. در هر یک از توقف‌های قطار، برگه‌ای از جاذبه‌های مسیر ورق می‌خورد.





# حمایت از مجله سفر نویسان

برای حمایت از استار تاپ مجله سفر نویسان که به صورت رایگان در شبکه‌های اجتماعی توزیع می‌گردد از همه شما علاقه مندان در صورت تمایل دعوت به حمایت می‌نماییم.

حمایت شما دوستان با اشتراك سالانه به مبلغ ۵۰ هزار تومان ما را برای ادامه راه دلگرم خواهد کرد

مجله رایگان می‌باشد و این مر فابرای دوستانی خواهد بود که تمایل به حمایت این استار تاپ دارند.

شماره کارت: ۶۲۷۴۱۲۱۱۸۶۳۴۲۲۰۰

به نام: محمد اسماعیل ارجمندی

بانک: اقتصاد نوین



با خروج قطار از منطقه شوراب، بخش کوهستانی راه آهن شمال، که سازه معروفی همچون پل ورسک را در خود جا داده است، آغاز می‌شود. اگر چه باز هم بنابه روایت محمد محسنیان این پل پیچیده‌ترین و گرانترین سازه در راه آهن شمال نیست، اما به چند دلیل از جمله نقشش در جنگ جهانی دوم، افسانه‌هایی که سینه به سینه در مورد ساخته شدنش نقل می‌شود و همچنین دید نسبتاً خوبی که از مسیر جاده‌ای دارد، منجر به آن شده تا از همتای خودش پل اوریم، در شهرت، سبقت بگیرد. در ایران به اشتباه راه آهن سراسری را حاصل کار مهندسین آلمانی می‌دانند که این مورد هم با توضیحات راهنما در حین گشت، روشن می‌شود. از جمله خاطره انگیزترین بخش‌های تور، توقف قطار بر روی پل ورسک است. لحظه‌ای که فرصت لمس موقعیتی منحصر به فرد را برای گردشگران، فراهم می‌کند. طبق برنامه قطار تا منطقه سوادکوه، ایستگاه دوآب پیش می‌رود. پیاده‌روی در کنار ریل، تا رسیدن به پل زیبای دره‌ای راه آهن به اسم پل کلانتری و دقیق شدن در نکات فنی و حتی فراتر از عملکرد آن، از جمله برنامه‌های این ایستگاه زیباست. با برگشت قطار به سمت تهران و پذیرایی عصرانه در یکی از ایستگاه‌های زیبای مسیر، گشت یک روزه خط طلا به ساعات پایانی نزدیک می‌شود. و با تاریک شدن هوا، قطار به ایستگاه راه آهن تهران، باز می‌گردد.

## مسیر ادامه دارد..

روایت داستان راه آهن و همراهی با قطار گردشگری، برای شنیدن و درک این داستان، منحصر به خط طلا نیست. به گفته گروه ریلرو، جای جای راه آهن ایران، داستان و جذابیت‌های منحصر به خود را دارد. معرفی و دعوت از گردشگران برای بازدید از این جاذبه‌ها، هدف این گروه است. قطار ریلرو، همچنین تجربه تور یک روزه راه آهن جنوب با عنوان «زاگرس» را نیز در برنامه‌های خود دارد، که توانست گردشگران زیادی را از اهواز و اندیمشک، تا تنگ پنج (5th canyon) با خود همراه کند. سایر پیشنهادات گردشگری راه آهن، در سایت این گروه موجود است. محسنیان ضمن دعوت از همه علاقه‌مندان به شرکت در قطار گردشگری ریلرو، امیدوار است در شناساندن مفهوم جدید گردشگری که در آن هدف رسیدن به مقصدی خاص نیست، بلکه خود مسیر مقصد است، موفق عمل کرده باشد. در دنیایی که شکل سرعت و گذشتن به خود گرفته، ماندن، دیدن و لمس هر لحظه از زندگی، غنیمت است؛ این باور ما در قطار گردشگری ریلرو است.

## «یک روز با خط طلا»

یکی از جذابترین و پر داستان‌ترین بخش‌های راه آهن ایران، راه آهن شمال و به خصوص ناحیه کوهستانی آن است. مسیری که قطار ریلرو با عنوان «قطار گردشگری سوادکوه» برای گشت یک روزه، طراحی و اجرا می‌کند. گرچه شاید هیجان انگیزترین بخش برنامه، سه خط طلا باشد، جایی که توالی سه خط ریلی را در یک سمت کوه می‌توان دید. اما به نقل از آقای محسنیان، این بخش از راه آهن شمال تنها بخشی از راه آهن نیست که سه خط در زیر هم قرار می‌گیرند، ولی به جهت دید مناسب این نما از جاده فیروزکوه، که تا بخشی از راه آهن شمال آن را همراهی می‌کند، معروفترین آنهاست.

برنامه قطار گردشگری، از ایستگاه راه آهن تهران شروع می‌شود. ایستگاهی که عمری معادل عمر راه آهن سراسری ایران دارد. با خروج از تهران، قطار از دشت‌های حاصل خیز ورامین عبور می‌کند، از پیشوا و ابر دژ، رد شده و وارد کویر زیبای گرمسار می‌شود. منطقه‌ای با کوه‌های سرخ که در اثر جریان آب‌های نمکین بر روی آن، نقوشی طراحی شده‌اند و معروفترین‌شان به کوه اژدها، معروف است. با توقف در ایستگاه بن‌کوه و گشت در این ایستگاه، تشکیلاتی که مدت زمانی است دیگر از رونق افتاده، تصویری کاملاً ملموس از آنچه در سال‌های اولیه راه آهن اهمیت داشته، برای گردشگران شکل می‌گیرد. ساختمان‌ها و تشکیلاتی که علی‌رغم از کار افتادگی، هنوز هم جذاب و قابل تحسین است.

در ادامه، باغ‌های انار، سیب، به و حبله رود، تابلویی چشم نواز از طبیعت کبوتردره راه، ارائه می‌دهند و باز هم مناظر و باغ‌های میوه سیمین دشت و زرین دشت به پیروی از آن، خودنمایی می‌کنند. تصاویری به غایت زیبا از مناظر ایران که کمتر گردشگران را ملاقات می‌کنند و قطار گردشگری فرصتی مناسب، برای درک آنهاست. در قطار توضیحاتی راجع به مناظر و اتفاقات راه آهن، ذهن گردشگران را بیشتر هدایت می‌کند.

با ورود به ده کوچکی به نام شوراب، گردشگران از یک سایت گردشگری خاص، در مسیر راه آهن شمال، دیدن می‌کنند. روستایی که حتی نامش در نام راه آهن گره خورده: در هنگام حفر تونل راه آهن، در بالادست این روستا، چشمه آبی بیرون می‌زند که به واسطه دارا بودن املاح و مواد معدنی، شوراب خوانده شده و پهنه‌ای سرخ رنگ را در سینه کوه ایجاد کرده است. شوراب همچنین به لحاظ دارا بودن اثری از تاریخ و سازه‌های راه آهن نیز اهمیت دارد. گشت و توضیحات راهنما در کنار محصولات محلی که اهالی روستا برای گردشگران تدارک دیده‌اند، شیرین‌تر هم می‌شود.

# کردستان

## گذری بر کردهای سرزمین مادری

ریحانه آهنکار  
سفرنامه



« سفر به کردستان، یعنی سفر به قلب فرهنگ کردها. برای دختر طبیعتگردی چون من، با پیش فرض‌هایی نادرست از این قوم مهربان و البته ریشه‌دار، این سفر، یک خاطره ارزشمند و البته آموزنده دربر داشت. از دوران کودکی، به غلط، نگاه خوبی به قوم شریف کرد نداشتیم. در جمع‌های دوستان و خانواده زمانی که صحبت از کردها به میان می‌آمد، همیشه از قومی جنگجو، سرکش و جدایی خواه از کل ایران، یاد می‌شد. این داستان‌ها باعث ترس برای کودکانی چون من می‌شد. (البته، شاید به دلیل شرایط آن روزها بود و نباید همه‌ی کردها را یکی دانست.) روزگار سپری شد و من به یک طبیعت‌گرد و ماجراجو تبدیل شدم. برای کشف دنیای پیرامونم، با همه محدودیت‌ها، به یک دختر جسور تغییر کردم.

آگهی تور کردستان، یکی از بزرگترین چالش‌های زندگی من بود. گویی دیدن این آگهی، تمامی آن پیش فرض‌های ذهنی غلط، و ترس‌هایم را یک جا از خواب بیدار کرد. اما قدرت ترس‌های کودکی مقابل یک دختر جسور، حرفی برای گفتن نداشتند. با این تفکر در تور کردستان ثبت نام و سفری را نه فقط برای لذت بردن، بلکه برای غلبه بر ترس و همین‌طور شناخت واقعی قوم کرد ایران، شروع کردم. یک شب پاییزی اوایل مهر ماه، ساعت ۸ شب راه افتادیم، از همدان گذشتیم و ساعت ۶ صبح، به جاده‌های پر پیچ و خم کوهستانی سنندج نزدیک شدیم. خودنمایی کوه‌های سبز و طلایی که چشمان هر مسافری را محو تماشای خود می‌کرد، سبزی از درخت‌ها و طلاپی از علف‌های بلند و انبوهی بود که گرمای هوا، آن‌ها را خشک کرده بود. گاهی باریکه آبی از کنار دیواره کوه، به پایین جاری شده بود.



حدود ساعت ۷ صبح، پس از طی جاده‌ای باشکوه، به شهر مریوان رسیدیم و مستقیم به سمت دریاچه دلربای زریبار، رهسپار شدیم. پس از صرف صبحانه زیر آلاچیق‌های کنار دریاچه، برای گشت و گذار و لمس زریبار، نگین کردستان، به راه افتادیم. شنیده‌هایم، به واقعیت تبدیل شد. با این تفاوت که گویی زریبار، نگین الماس است. آنقدر زیبا که حد و مرز ندارد؛ فضای سرسبز اطراف دریاچه، قرار گرفتنش بین کوه‌ها،

دشت‌ها و نیزارهای آبی، منظره‌ی تماشایی و بی نظیری را خلق کرده بود. شنای پرنده‌های بومی و مهاجر در قلب دریاچه، زیبایی را دوچندان می‌کرد. گویی اینجا قطعه‌ای از بهشت است. منظره دریاچه وقتی زیباتر می‌شود که با قایق‌های کرایه‌ای، به قلبش می‌روی و خود را میان آن حس می‌کنی و ناگفته نماند که درآمد محلی‌های آنجا نیز از راه کرایه دادن قایق‌ها بود و برای حمایت از کسب و کارهای محلی و لذت لمس قلب دریاچه تجربه‌اش را به همه شما سفردوستان پیشنهاد می‌کنم.



حدود ساعت ۱ ظهر، زمان خوش ناهار فرا رسید و من که به فکر غذای محلی بودم با پیشنهادی خوب، روبروی شدم. «ماهی کبابی» با پلوی مخصوص که با لپه و دوغ تهیه می‌شد و در کنار آنها روغن محلی خوشمزه‌ی آنجا، که غذا را لذیذتر می‌کرد. واقعا مزه‌ی این غذا هنوز به یادم هست و چقدر برایم جالب بود، این چنین غذایی در دل کردستان، الحاق که غذاهای محلی تمام ایران بسیار خوش طعم است.



در همین مدت زمان کم که با مهمان‌نوازی، مسئولیت‌پذیری و فرهنگ زیبای محلی کردها آشنا شدم، تمام ترس‌های کودکیم از بین رفت و تمام تفکرهای غلطم، در هم شکست. چقدر باورهای اشتباه از بچگی به من داده بودند. حالا می‌دیدم کردها انسان‌های متفاوتی هستند، اما این تفاوت در خلوص، پاکی، شرافت، مردانگی، غیرت و مهربانی آن‌ها است!

دل‌کندن از مریوان و الماسی چون زریبار بسیار سخت بود، ولی کردستان جلوه‌های دیگرش را برای ما آماده کرده بود. از مریوان به سمت اورامان یا به قول کردها «هه اورامان» رفتیم، یک روستای زیبای پلکانی که در تاریکی شب، نمای پلکانی‌اش به زیبایی مشخص بود. در خانه‌هایی که از قبل رزرو شده بود، شب را گذراندیم و صبح روز بعد به سمت روستای ژبوار و باغ‌های انار راه افتادیم. مینی‌بوس‌های محلی، استاد رانندگی در



جاده‌های باریک و پر پیچ و خم بودند و با لباس محلی و آهنگ کردی زیبایی که در کل مسیر شنیده می‌شد، گویی پرواز می‌کردند.



ژبوار، به معنای زندگی است. در این روستا زندگی، به معنی واقعی، در جریان بود. یک روستای بسیار زیبا و پلکانی که مردمانی بسیار مهربان و صمیمی دارد. ژبوار را، باغ‌های انار در بر گرفته‌اند و کافی است انار بخواید، تا لذت طعم انار را بچشید. از لحظه ورود، عشق کودکانی بچه‌هایی که در گوشه و کنار در حال بازی هستند و به چشمانت خیره می‌شوند، هر مهمانی را شیفته خود می‌کند. بعد از لبریز شدن از زیبایی روستا و صرف انار، به سمت روستای هجیج و دیدن دریاچه سیروان و آبشار پل راهی شدیم.

کردستان یعنی زاگرس، با هر کردی صحبت کنید دل در گرو مهر زاگرس دارد و من واقعا معنی رشته کوه را، آنجا فهمیدم. بعد از تمام درس‌هایی که مطالعه کردم، تازه اینجا میفهمم که چرا باید به رشته کوه‌های زاگرس علاقه داشت. علاقه‌ای که از زمان هخامنشیان، کردها به این منطقه دارند و این علاقه، پایانی برای کردها و تمام ایرانیان ندارد.



تابلوی سد «داریان» را دیدم که روی رودخانه سیروان بسته شده و در واقع جلوی رودخانه را بسته بودند و آب در دره جمع شده بود. نزدیک رفتیم، آب

از همه جای کوه به بیرون فوران می‌کرد. پایین، جایی که آب فرو می‌ریخت، دریاچه سیروان قرار داشت که قایق‌های تفریحی در حال حرکت بودند. از پله‌ها که پایین می‌رفتم، ابهت و عظمت و زیبایی دریاچه میهوتم کرده بود و من دلم می‌خواست همان‌جا بمانم. آب، عجیب انرژی بخش و با طراوت است و من همیشه آب را، انرژی بخش‌ترین عنصر طبیعت می‌دانم. بعد از تماشای این نقاشی بی‌نظیر خداوند و عکاسی، با قایق‌های پنج، شش نفره به سمت آبشار بل که آبشاری زیبا است، حرکت کردیم، آبشاری با سخاوت و مهربانی که از دل کوه جاری بود. به علت شلوغی و البته خرید محصولات محلی برای یادگاری، زودتر برگشتیم و به سمت اورامانات حرکت کردیم.

# فراخوان تور لیدر ها

Tour Guides



**مجله سفر نویسان قصد دارد  
تعدادی از صفحات خود را به  
معرفی تور لیدر های دارای  
کارت معتبر اختصاص  
دهد.**

**معرفی تور لیدر ها**  
در مجله اینتر نتی سفر نویسان و

**معرفی تور لیدر ها**  
به مدیران صنعت گردشگری و

علاقه مندان به سفر در مجله اینتر نتی سفر نویسان

از تور لیدر های محترم دعوت می شود تا با ارسال پیام در

اینستاگرام به آدرس safarnevisean

و یا واتساپ 09128336697

فرم معرفی را دریافت نمایند.

بیشتر از مزار پیر، نوارهای پارچه‌ای زیادی که به هر جای ممکن گره خورده، توجه را جلب می‌کند. حتی بر شاخه‌های درختان سبزا! اعتقاد مردم کردستان این است که «این پیر، حاجت می‌دهد!»

از خانه پیر شالیار که در ارتفاع قرار داشت، اورامانات بسیار زیبا بود و زیبایی‌اش چشم را مسحور خودش می‌کرد. با پیر شالیار خداحافظی کردیم و سوار بر اتوبوس شدیم و به سمت تهران راه افتادیم.



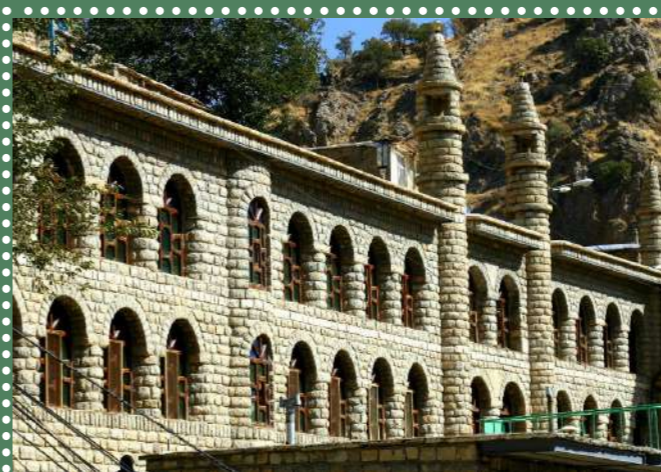
«کالان» نانی محلی که با پیازچه و روغن بومی درست می‌شود و ما که در دل شب گرسنه بودیم و خدایی که در این نزدیکی‌ها بود. در مسیر زمانی که همه به سختی گرسنه بودیم، به یک مغازه محلی رسیدیم و دو خانمی که در حال پخت کالان بودند. همه ما مانند کسانی بودیم که گنج پیدا کرده‌اند و حسایی خودمان را با این نان خوشمزه سیر کردیم.

صبح روز بعد، پس از صرف صبحانه‌ای بی‌نظیر در اورامانات مشغول گشتن شدیم و بعد از طی یک جاده آسفالت وارد یک مسیر سنگفرش شدیم. خیابان‌ها تمیز و کودکان مشغول بازی بودند و خنده‌های کودکانی که نشان از زندگی زیبای این روستا می‌داد. گویی این روستا با خانه‌های نقلی‌اش، یک شهر مینیاتوری است.

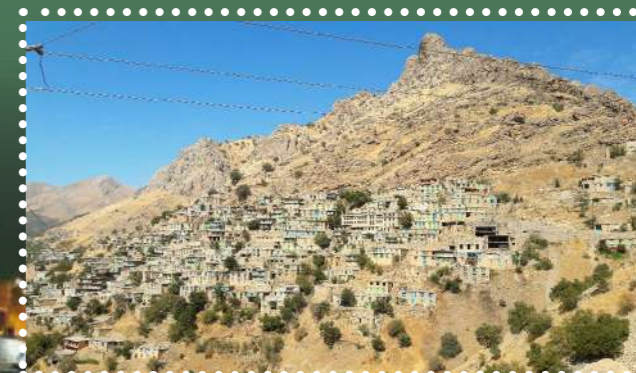
سقف هر خانه، حیاط خانه دیگری بود. زنان میانسال و سالمند در حیاط کوچک خانه‌هایشان با لباسهای کردی به تن، در حال کار بودند. سلام می‌کردم و همه با مهربانی جواب می‌دادند. مردها و پیرمردها اکثرا جلوی در مغازه و خانه‌هایشان نشسته بودند با لباس کردی و اکثرا با سیبیل‌هایی که یک جور ابهت و غیرت مردانه را نشان می‌داد.

از جوانی که در یک مغازه کار می‌کرد، پرسیدم: معنی اورامان چیست؟ گفت: «هور آمان یعنی آب آمد.» با خودم فکر کردم، آب این مایه حیات، همیشه مهم بوده و هست که حتی اسم این روستا هم، با آب مزین شده و واقعا روستا مثل خود آب، پر از انرژی و زیبایی بود. از خانه‌ها گذشتیم و در ادامه مسیر، به ساختمان سنگی و زیبای مسجد روستا رسیدیم.

دو گلدسته کوتاه در کنار سردر دیده می‌شد. در و پنجره‌ها، چوبی و خوش نما بودند. بالای درها، نام «الله» و «محمد» دیده می‌شد. بعد از دیدن مسجد و عکاسی، به سمت خانه قدیمی پیر شالیار، راه افتادیم. پیر شالیار داستان طولانی و جذابی دارد و کردها پیر شالیار را، بسیار مقدس می‌دانند و هر ساله برایش جشن می‌گیرند. خانه پیر شالیار در میان باغی واقع شده که حالا آرامگاهش است و یک پنجره نرده‌ای کوچک و سبز رنگ دارد و مزارش از پشت پنجره معلوم است.



تجربه سفر به کردستان برای من بی‌نظیر بود ، به این دلیل که به یک باور واهی و ترسی که از کودکی داشتم حمله کردم و دیدن این شهر و این مردم بی نظیر، کل باورهای من را زیر و رو کرد. امیدوارم این سفرنامه کمک کرده باشد که کردستان را تا حدودی تصور کرده باشید و احساسی که من در این شهر بی نظیر داشتم.





**امیر ارغوان**  
ساله ۳۲

**سوابق شغلی**  
\_مهندس معمار  
\_همکاری با گروه هور تور  
\_برگزاری تورهای طبیعت گردی و کوهنوردی

**حوزه تخصصی**  
\_حوزه جنوب کشور  
\_طبیعت و تاریخ استان فارس

**میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه**  
\_۴ سال تجربه برگزاری تور  
\_طبیعت و دوستانه  
\_یک سال تجربه تور تاریخی

**آخرین مدرک تحصیلی**  
\_لیسانس معماری  
\_دانشجوی ارشد مدیریت  
\_جهانگردی دانشگاه شیراز

**مدارک تخصصی و فنی**  
\_مدرک کوه پیمایی و غار  
\_پیمایی و دره پیمایی مقدماتی  
\_لیدر رسمی ایرانگردی  
\_لیدر طبیعت گردی

**توانایی ها و مهارت های فردی**  
\_تسلط بر ارائه و فن بیان بالا

**رشته ورزشی تخصصی**  
\_کوه نوردی  
\_دره نوردی  
\_سایکل توریست

**زبان های تخصصی خارجی و محلی**  
\_انگلیسی  
\_گویش مردم جنوب

**محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون**  
\_داخلی: تقریباً کلیه استانها  
\_خارجی: قطر، امارات، مالزی، ترکیه

ایمیل: mehraz\_amir@yahoo.com شماره تماس: ۰۹۳۷۰۷۶۱۰۴۳ اینستاگرام: amirarghavan1988



**معموه السادات  
هرلی**  
ساله ۳۷  
نام مستعار: سمانه

**سوابق شغلی**  
\_راهنمای تور (۱۳۸۴ تاکنون)  
\_مدرس زبان انگلیسی (۱۳۸۵-۱۳۸۸)  
\_مسئول بازرگانی خارجی  
\_شرکت آبکام یزد (۱۳۸۴-۱۳۹۲)

**حوزه تخصصی**  
\_تاریخی-فرهنگی

**میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه**  
\_راهنمای تور تاریخی-فرهنگی  
\_بین المللی از سال ۱۳۸۴  
\_۴ سال فعالیت در زمینه طبیعت و تورهای داخلی

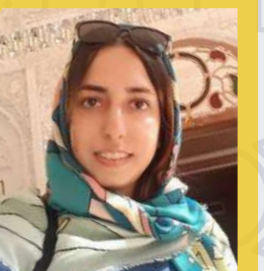
**آخرین مدرک تحصیلی**  
\_کارشناسی ارشد مدیریت  
\_گردشگری-برنامه ریزی توسعه  
(دانشگاه شیخ بهایی اصفهان)

**مدارک تخصصی و فنی**  
\_دوره راهنمای تور بین المللی  
\_کارشناسی زبان و ادبیات  
\_انگلیسی از دانشگاه یزد  
\_دوره هات (توانمندی راهنمایان  
\_گردشگری) از موسسه خانه سفر  
\_دوره های مقدماتی کوهپیمایی،  
\_نقشه خوانی، امداد و نجات و  
\_محیط کوهستان از فدراسیون  
\_کوهنوردی

**زبان های تخصصی خارجی و محلی**  
\_انگلیسی

**محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون**  
\_داخلی: تقریباً همه مسیرهای  
\_شناخته شده طبیعت گردی و  
\_کمپینگ و مسیرهای شناخته  
\_شده تاریخی-فرهنگی  
\_کشور(اصفهان، یزد، شیراز)  
\_خارجی: استانبول، دبی،  
\_هند(انفرادی)

لینکدین: samane mirsalimi تریپ ادوایزر: @475samane فیسبوک: samaneh.mirsalimi



**مژگان حقیقی**  
ساله ۲۷

**سوابق شغلی**  
\_کارشناس دیجیتال مارکتینگ  
\_شرکت سفرهای علاالدین  
\_پذیرشگر و مسئول تشریفات  
\_هتل ملک التجار یزد  
\_سردبیر نشریه فارمگ  
\_راهنمای تورهای ورودی  
\_مترجم انجمن جهانی پزشکان  
\_صلح و سلامت

**حوزه تخصصی**  
\_راهنمای تورهای ایرانگردی  
\_انگلیسی و فرانسوی زبان

**میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه**  
\_۳ سال سابقه راهنمای تور  
\_رسمی

**آخرین مدرک تحصیلی**  
\_کارشناسی ارشد مدیریت  
\_جهانگردی

**مدارک تخصصی و فنی**  
\_ترجمه  
\_تولید محتوا  
\_تدریس دروس دانشگاهی  
\_دیجیتال مارکتینگ

**زبان های تخصصی خارجی و محلی**  
\_انگلیسی  
\_فرانسوی

**محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون**  
\_یزد، خوزستان، تهران،  
\_مسیرکلاسیک

ایمیل: Mozghanht777@yahoo.com شماره تماس: ۰۹۳۰۰۹۵۹۳۴۹



**امیدرزاق نژاد**  
ساله ۲۹

**سوابق شغلی**  
\_مدیر فروش و روابط عمومی  
\_مجموعه های LC Waikiki پیک  
\_برتر استان  
\_کارگردان، نویسنده و بازیگر  
\_تئاتر و فیلم  
\_لیدر و مدیر تورهای طبیعتگردی

**حوزه تخصصی**  
\_طبیعتگردی

**میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه**  
\_۱۱سال، از سال ۸۸

**آخرین مدرک تحصیلی**  
\_دیپلم(انصراف ازدانشگاه)

**توانایی ها و مهارت های فردی**  
\_دوره بقا در طبیعت  
\_دوره شرایط سخت  
\_دوره رفتار شناسی حیوانات وحشی

**رشته ورزشی تخصصی**  
\_دارای دان ۱ رشته نین جوتسو و  
\_مری سبک

**زبان های تخصصی خارجی و محلی**  
\_ترکی آذری

**محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون**  
\_داخلی: کویرکاراکال، کویر مصر،  
\_کویر ابوزید، کویر مرنجاب، اکثر  
\_شهرهای دارای جنگل آزاد و  
\_طبیعت های بکر

ایمیل: Saran.ninja@yahoo.com شماره تماس: ۰۹۱۹۲۶۲۷۰۱۴ اینستاگرام: omidrazaghezhad maya\_tourism\_group



**کامیار بادیا**  
ساله ۲۷

**سوابق شغلی**  
\_کارشناس ورزش شهرداری  
\_تهران

**حوزه تخصصی**  
\_طبیعت گردی  
\_جنگل نوردی  
\_تورهای ورودی

**میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه**  
\_۱۸ سال

**آخرین مدرک تحصیلی**  
\_کارشناسی مدیریت گردشگری  
\_دانشجوی کارشناسی ارشد اکو  
\_توریسم دانشگاه شهید بهشتی

**توانایی ها و مهارت های فردی**  
\_نجاتگر هلال احمر  
\_مربیگری اسکواش  
\_مربیگری درجه ۳ اسکی آلپاین  
\_دوره های مرتبط با کوهستان  
\_بقا

**رشته ورزشی تخصصی**  
\_اسکی  
\_سنگ نوردی

**زبان های تخصصی خارجی و محلی**  
\_انگلیسی

ایمیل: sartr@gmail.com شماره تماس: ۰۹۱۲۲۵۹۱۵۸ اینستاگرام: Kamyar.b1983 سایت: www.gardeshgar.org



**میلا دقمری**  
ساله ۲۹  
نام مستعار: میلاد  
تویسرکانی

**سوابق شغلی**  
\_آزاد؛ تجارت گردو و خشکبار

**حوزه تخصصی**  
\_ورزشی

**میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه**  
\_۲۰سال

**آخرین مدرک تحصیلی**  
\_کارشناسی، دانشجوی دکتری

**رشته ورزشی تخصصی**  
\_فوتسال

**توانایی ها و مهارت های فردی**  
\_درجه یک امدادگرهلال احمر،  
\_مدرک فوریت های پزشکی  
\_وکمک های اولیه  
\_پرورش قارچ دکمه ای  
\_پرورش زنبورعسل  
\_مدرک کاربرایانه ICD  
\_شناخت گیاهان دارویی  
\_درجه ملی داوری لیگ  
\_فوتسال کشور

**زبان های تخصصی خارجی و محلی**  
\_عربی  
\_لری  
\_در حال یادگیری زبان  
\_انگلیسی

**رشته ورزشی تخصصی**  
\_فوتسال

**محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون**  
\_داخلی: اکثر شهرهای ایران  
\_خارجی: عراق، امارات  
(دبی)

**سایر توضیحات**  
\_مدرک کاردانی کامپیوتر  
\_کارشناسی آموزش ابتدایی  
\_دانشجوی دکتری تربیت بدنی  
\_فرزند جانباز وآزاده دفاع  
\_مقدس

ایمیل: nimawwe.7@gmail.com شماره تماس: ۰۹۱۸۳۵۲۶۳۸۵ اینستاگرام: milad\_ghamari92



**سید غلامرضا نظری**  
۴۴ ساله  
نام مستعار: رضا

سوابق شغلی  
تعمیرکار اتومبیل

حوزه تخصصی  
کوهنوردی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه  
۱۲ سال

آخرین مدرک تحصیلی  
دیپلم

مدارک تخصصی و فنی  
\_مقدماتی سنگنوردی  
\_پزشکی کوهستان، نجات  
\_کوهستان، هواشناسی  
\_حفظ محیط زیست  
\_کوهپیمایی  
\_جی پی اس

توانایی ها و مهارت های فردی  
قدرت بدنی و استقامت فردی بالا

رشته ورزشی تخصصی  
کشتی و کوهنوردی

زبان های تخصصی خارجی و محلی  
\_انگلیسی  
\_ترکی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی  
و خارجی انجام شده تاکنون  
فقط عراق

شماره تماس: ۰۹۱۲۲۹۱۲۸۵۷ | ایمیل: sadat.nazari@yahoo.com | اینستاگرام: sedrezanazar64 ofogh.tehran



**علی هاشمی**  
۴۰ ساله

سوابق شغلی  
\_آتش نشان، لیدر

حوزه تخصصی  
طبیعت گردی، کوه نوردی،  
دوچرخه کوهستان، شنا، امداد  
و نجات

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه  
از سال ۹۰

آخرین مدرک تحصیلی  
لیسانس مدیریت امداد در سوانح

مدارک تخصصی و فنی  
\_دوره های تخصصی کوه نوردی  
\_دوره بین المللی دسترسی با  
طناب ایراتا

رشته ورزشی تخصصی  
مربی کشتی، شنای آب های آزاد،  
کوه نوردی

زبان های تخصصی خارجی و محلی  
انگلیسی (ضعیف)

محدوده و مقصد سفرهای داخلی  
و خارجی انجام شده تاکنون  
بیشتر نقاط توریستی کشور،  
رکاب زدن با دوچرخه در چند  
مسیر همانند تهران تا شمال و  
بوشهر تا بندر عباس

شماره تماس: ۰۹۱۲۲۵۸۳۵۴ | ایمیل: fire59man@yahoo.com | اینستاگرام: alihashemi.59



**علیرضا محمدپور**  
۴۰ ساله  
نام مستعار: خشایار

سوابق شغلی  
\_مدیر کلینیک دندانپزشکی به  
مدت ۲۰ سال

برگزاری دو تور بیس کمپ  
اورست در سال های ۹۵ و ۹۶  
\_دور آناپورنا در سال ۹۶  
\_شهرگردی و طبیعت گردی نپال  
در سال ۹۶

حوزه تخصصی  
طبیعت گردی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه  
۹ سال

آخرین مدرک تحصیلی  
فوق لیسانس معماری

مدارک تخصصی و فنی  
کارآموزی کوهپیمایی

توانایی ها و مهارت های فردی  
\_روابط عمومی بالا  
\_مدیریت گروه

رشته ورزشی تخصصی  
دوچرخه سواری

زبان های تخصصی خارجی و محلی  
\_انگلیسی  
\_ترکی استانبولی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی  
و خارجی انجام شده تاکنون  
\_خارجی: نپال، ترکیه، تایلند،  
گرجستان، امارات، ارمنستان

شماره تماس: ۰۹۱۲۲۶۲۳۴۸۷ | ایمیل: Arch.mohamadpour@gmail.com



**مهیار میرزایی**  
۴۱ ساله

سوابق شغلی  
برگزاری تور به مدت ۱۲ سال

حوزه تخصصی  
\_طبیعت گردی  
\_جنگل نوردی  
\_سنگ نوردی  
\_کوهنوردی  
\_دوچرخه سواری

آخرین مدرک تحصیلی  
کارشناسی مدیریت و صنعت  
گردشگری

مدارک تخصصی و فنی  
\_مدرس سنگنوردی  
\_مربی کوهنوردی  
\_مربیگری درجه ۳ دوچرخه  
کوهستان  
\_عضو جامعه راهنمایان  
کوهستان

رشته ورزشی تخصصی  
\_کوهنوردی  
\_سنگ نوردی، یخ و برف  
\_دوچرخه سواری کوهستان

زبان های تخصصی خارجی و محلی  
انگلیسی

شماره تماس: ۰۹۱۲۴۳۹۸۱۴۱ | ایمیل: mahyar.tayebi@gmail.com | اینستاگرام: Marco\_sepideh



**پوریا هاشمی**  
۲۹ ساله  
نام مستعار: پدر پوریا  
لیدر پوریا

سوابق شغلی  
۱۱ سال سابقه در برگزاری  
سفرهای طبیعتگردی و کمپینگ  
داخلی و خارجی (از سال ۸۸ تا  
کنون)

حوزه تخصصی  
فرهنگی-تاریخی، طبیعتگردی،  
بقا در طبیعت، آشپزی در طبیعت

آخرین مدرک تحصیلی  
کارشناسی مدیریت جهانگردی

توانایی ها و مهارت های فردی  
ارتباط جمعی و رهبری گروه،  
اطلاعات عمومی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه

\_تور لیدر و برگزار کننده تورهای  
داخلی و خارجی (از سال ۸۸)  
\_دارای چند مقاله در زمینه  
توسعه صنعت گردشگری و  
برنده جایزه هنر و توسعه  
گردشگری از طرف سازمان  
میراث فرهنگی، صنایع دستی و  
گردشگری (وزارت گردشگری  
فعلی)

عضویت در انجمن صنفی  
راهنمایان گردشگری (۹۰-۹۳)

زبان های تخصصی خارجی و محلی  
انگلیسی

رشته ورزشی تخصصی  
مقام دوم کشور در ورزش کنگفو  
در ۱۹ سالگی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی  
و خارجی انجام شده تاکنون  
\_داخلی: ۳۰ استان از ۳۲  
استان ایران، برگزاری تورهایی  
در زمینه طبیعتگردی و کمپینگ  
و فرهنگی و تاریخی از مبدا  
تهران

\_خارجی: کشور های ترکیه،  
گرجستان، ارمنستان

سوابق شغلی  
بازنشسته تامین اجتماعی

حوزه تخصصی  
\_طبیعت گردی  
\_کوهنوردی  
\_تورهای داخلی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه  
۲۵ سال

آخرین مدرک تحصیلی  
کارشناسی مدیریت بازرگانی

مدارک تخصصی و فنی  
\_مربی درجه ۳ کوهستان  
سازمان امداد و نجات  
\_مربی درجه ۳ سنگنوردی  
\_کوهپیمایی و صعودهای  
ورزشی از فدراسیون کوهنوردی  
\_دوره های پیشرفته برف و یخ و  
جستجو و نجات

رشته ورزشی تخصصی  
\_کوهنوردی  
\_سنگنوردی

شماره تماس: ۰۹۱۴۳۴۷۸۷۳۴ | ایمیل: jafarybaranu@yahoo.com | اینستاگرام: al.ireza9012

شماره تماس: ۰۹۱۹۰۲۵۱۰۰۲ | ایمیل: pouria.travel | اینستاگرام: pouria.travel

TRAVEL



جای تبلیغات شما اینجا است!